

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

قانون امور حسبی مصوب دوم تیر ماه ۱۳۱۹

قانون امور حسبی //

مصوب دوم تیر ماه ۱۳۱۹ //

باب اول - در کلیات /

ماده ۱ - امور حسبی اموری است که دادگاهها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بوقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد. /

ماده ۲ - رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می باشد مگر آنکه خلاف آن مقرر شده باشد. /

ماده ۳ - رسیدگی به امور حسبی در دادگاههای حقوقی به عمل می آید. /

ماده ۴ - در موضوعات حسبی هر گاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آنجا مطرح است باید انجام شود دادگاه مزبور می تواند انجام آن امر را به دادگاهی که کار در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید و در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را به دادگاه ارجاع کننده امر می فرستد. /

ماده ۵ - مقررات راجع به نیابت قضایی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود. /

ماده ۶ - در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوعی صالح باشند دادگاهی که بدواً به آن رجوع شده است رسیدگی می نماید. /

ماده ۷ - در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاهها رفع اختلاف به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی به عمل می آید. /

ماده ۸ - دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند: /

۱ - اموری که در آنها ذینفع است. /

۲ - امور راجع به زوجه خود (زوجهای که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است). /

۳ - امور اقربا نسبی و سببی خود در درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم. /

۴ - امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آنها دارد. /

ماده ۹ - در موارد خودداری دادرس هر گاه در آن حوزه دادرس صلاحیتدار برای رسیدگی نباشد رسیدگی به دادگاه نزدیکتر ارجاع می شود. /

ماده ۱۰ - در موارد ماده ۷ دادرس باید از رسیدگی خودداری نماید ولی اشخاص ذینفع نمیتوانند به استناد این ماده دادرس را رد نمایند. /

ماده ۱۱ - عدم صلاحیت محلی دادگاه یا خودداری دادرس از مداخله در خصوص امری رافع آثار قانونی اقدام یا تصمیمی که به عمل آمده است نخواهد بود. /

ماده ۱۲ - روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس میتواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تاخیر اندازد مگر اینکه امر از امور فوری باشد. /

ماده ۱۳ - درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا زبانی باشد - درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و به امضا درخواست کننده می رسد. /

ماده ۱۴ - در امور حسبی دادرس باید هر گونه بازجویی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد هر چند درخواستی از دادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد و در تمام مواقع رسیدگی می تواند دلالتی که مورد استناد واقع می شود قبول نماید. /

ماده ۱۵ - اشخاص ذینفع می توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود. /

تبصره - نماینده اعم از وکلا دادگستری یا غیر آنها است. /

ماده ۱۶ - حساب مواعد به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده و اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد روز بعد از تعطیل خواهد بود. /

ماده ۱۷ - در مهلت هایی که مسافت رعایت می شود ترتیب آن مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مسافت است. /

ماده ۱۸ - اشخاص ذینفع می توانند پرونده های امور حسبی را ملاحظه نموده و از محتویات آن رونوشت گواهی شده یا گواهی نشده از دفتر دادگاه بگیرند. /

ماده ۱۹ - هر گاه ضمن رسیدگی به امور حسبی دعوایی از طرف اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد دادرس در صورت درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می نماید. /

<p>ماده ۲۰ - اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به مواردی است که در قانون تصریح شده است./</p> <p>ماده ۲۱ - در مواردی که دادستان مکلف به اقدامی می‌باشد اقدام به عهده دادرسی دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می‌آید./</p> <p>ماده ۲۲ - دادرس پس از تمام شد بازجویی و رسیدگی منتهی در ظرف دو روز تصمیم خود را اعلام می‌نماید./</p> <p>ماده ۲۳ - تصمیم دادرس باید موجه و مدلل باشد./</p> <p>ماده ۲۴ - در مواردی که تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب ابلاغ مانند مقررات آیین دادرسی مدنی است./</p> <p>ماده ۲۵ - در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید به عمل آید دادرس می‌تواند ترتیب سهل‌تری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد./</p> <p>ماده ۲۶ - هر گاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود در دادگاه حاضر باشد تصمیم دادگاه به او اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و رونوشت نیز به او داده می‌شود./</p> <p>ماده ۲۷ - تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد./</p> <p>ماده ۲۸ - مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادرکننده تصمیم در مورد دعاوی دارد./</p> <p>ماده ۲۹ - مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده./</p> <p>ماده ۳۰ - در صورتی که پژوهش خواه اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجه بوده و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهش است می‌تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط به اینکه از تاریخ انقضا مدت پژوهش بیش از شش ماه نگذشته باشد./</p> <p>ماده ۳۱ - مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهشی باشد و درخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست./</p> <p>ماده ۳۲ - شکایت پژوهشی به دفتر دادگاهی که صادرکننده تصمیم مورد شکایت بوده داده می‌شود و دفتر نامبرده باید فوراً شکایت‌نامه را ثبت و رسید آن را به شاکی داده و منتهی در ظرف دو روز شکایت‌نامه پژوهشی را با برگهای مربوط به آن دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است بفرستد./</p> <p>ماده ۳۳ - شکایت پژوهشی ممکن است شفاهی باشد در این صورت شکایت نامبرده در صورت مجلس دادگاه درج و به امضا شاکی و دادرس می‌رسد و این صورت مجلس با برگهای مربوطه به دادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد./</p> <p>ماده ۳۴ - شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر جهات یا ادله جدید باشد./</p> <p>ماده ۳۵ - شکایت پژوهشی موجب تعویق اجرا تصمیم مورد شکایت نمی‌شود مگر اینکه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قرار تأخیر اجرای آن را بدهد./</p> <p>ماده ۳۶ - تصمیم دادگاه استان به اتفاق یا به اکثریت آرا معلوم می‌شود./</p> <p>ماده ۳۷ - دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌نماید هر گونه رسیدگی و تحقیقی که مفید و لازم بداند بدون احتیاج به درخواست به عمل می‌آورد و پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند آن را تأیید و چنانچه نقمی در تصمیم نامبرده مشاهده کند موافق نظر خود آن را تکمیل می‌نماید و هر گاه تصمیم مورد شکایت را صحیح نداند آن را الغا نموده و تصمیم مقتضی را اعلام می‌نماید./</p> <p>ماده ۳۸ - هر گاه در تصمیم دادگاه اشتباهی در حساب یا سهو قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم افتادن نام یکی از اشخاص ذینفع یا زیادشدن نامی مادام که آن تصمیم به وسیله شکایت به دادگاه بالاتر از دادگاه خارج نشده باشد دادگاه صادرکننده تصمیم مستقلاً یا به درخواست یکی از اشخاص ذینفع آن را تصحیح می‌نماید و این تصحیح زیر تصمیم دادگاه یا برگ دیگری که پیوست آن می‌شود نوشته خواهد شد. دادن رونوشت از تصمیم دادگاه بدون پیوست نامبرده ممنوع است./</p> <p>تصحیح به اشخاصی که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود ابلاغ می‌شود و در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است تصحیح آن هم در مدت مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهد بود./</p> <p>ماده ۳۹ - هر گاه تصمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشد تصحیح هم از اعتبار خواهد افتاد./</p> <p>ماده ۴۰ - هر گاه دادگاه رأساً یا بر حسب تذکر به خطا تصمیم خود برخورد در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد می‌تواند آن را تغییر دهد./</p> <p>ماده ۴۱ - تصمیمی که در زمینه درخواستی به عمل آمده است تغییر آن هم محتاج به درخواست است./</p> <p>ماده ۴۲ - هر گاه در استنباط از مواد قانون بین دادرسهایی که رسیدگی پژوهشی می‌کنند اختلاف نظر باشد دادگاهی که به امر حسبی رسیدگی پژوهشی می‌نماید می‌تواند به توسط دادستان دیوان کشور نظر هیأت عمومی دیوان کشور را بخواهد و در این صورت دادگاه نظر خود را با دلایل آن برای دادستان دیوان کشور می‌فرستد و پس از آنکه دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه مکلف است مطابق آن عمل نماید./</p> <p>ماده ۴۳ - دادستان دیوان کشور از هر طریقی که مطلع به سو استنباط از مواد این قانون در دادگاهها بشود یا به اختلاف نظر دادگاهها راجع به امور حسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد نظر هیأت عمومی دیوان کشور را خواسته و به وزارت دادگستری اطلاع می‌دهد که به دادگاهها ابلاغ شود و دادگاهها مکلفند بر طبق نظر مزبور رفتار نمایند./</p> <p>ماده ۴۴ - کسانی که تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود مضر بدانند می‌توانند بر آن اعتراض نمایند خواه تصمیم از دادگاه نخست صادر شده یا از دادگاه پژوهشی باشد و حکمی که در نتیجه اعتراض صادر می‌شود قابل پژوهش و فرجام است./</p> <p>ماده ۴۵ - مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به نظم جلسه رسیدگی شامل امور حسبی نیز خواهد بود./</p> <p>ماده ۴۶ - در امور حسبی اگر دادرس آشنا به زبان اشخاص باشد ملزم به مداخله دادن مترجم نیست و در صورت احتیاج به مترجم دادرس می‌تواند کسی که طرف اعتماد او است برای ترجمه انتخاب نماید./</p> <p>مترجم نباید از اشخاص مذکور در ماده ۸ انتخاب شود./</p> <p>ماده ۴۷ - در مورد دعوی خیانت یا عدم لیاقت و سایر موجبات عزل وصی یا قیم یا ضم امین ترتیب رسیدگی مطابق</p>
--

مقررات این قانون است و حکمی که در این خصوص صادر می‌شود مطابق آیین دادرسی مدنی قابل پژوهش و فرجام است./

باب دوم – در قیمومت/

فصل اول – صلاحیت دادگاه قیمومت/

ماده ۴۸ – امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه سکنی دارد برای امور قیمومت صالح است./

ماده ۴۹ – هر گاه محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی داشته باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است./

ماده ۵۰ – در صورتی که محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی دارد و مطابق ماده ۱۲۲۸ قانون مدنی مأمور کنسولی ایران قیم موقت برای محجور معین نماید اگر دادگاه تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ نکند تعیین قیم با دادگاه نامبرده خواهد بود./

ماده ۵۱ – در صورتی که متوفی دارای صغاری باشد که اقامتگاه آنها مختلف است دادگاهی که برای یک نفر از صغار بدو تعیین قیم کرده است می‌تواند برای صغاری هم که در حوزه آن دادگاه اقامت ندارند قیم معین نماید و اگر قیم معین نشده باشد دادگاهی که کوچکترین صغیر در حوزه آن اقامت دارد برای تعیین قیم نسبت به تمام صغار صلاحیت خواهد داشت – و اگر معلوم نباشد کدام یک از صغار کوچک‌ترند هر یک از دادگاه‌ها که صغیر در حوزه آن دادگاه اقامت دارد صالح است./

ماده ۵۲ – هر گاه در اقامتگاه محجور دادگاه صلاحیتدار برای امور قیمومت نباشد امور مزبور با نزدیکترین دادگاه صلاحیتدار به اقامتگاه محجور خواهد بود./

ماده ۵۳ – در صورتی که اقامتگاه محجور معلوم نباشد امور قیمومت با دادگاهی است که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می‌شود./

ماده ۵۴ – عزل و تعیین قیم جدید و تعیین قیم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قیم کرده است./

فصل دوم – ترتیب تعیین قیم/

ماده ۵۵ – علاوه بر اشخاص مذکور در ماده ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ قانون مدنی شهرداری و اداره آمار و ثبت احوال و مأمورین آنها و دهیان و بخشدار در هر محل مکلفند پس از اطلاع به وجود صغیری که محتاج به تعیین قیم است به دادستان شهرستان حوزه خود اطلاع دهند./

ماده ۵۶ – هر یک از دادگاه‌ها که در جریان دعوی مطلع به وجود محجوری شود که ولی یا وصی یا قیم نداشته باشد باید به دادستان برای تعیین قیم اطلاع بدهد./

ماده ۵۷ – در رسیدگی به درخواست حجر دادگاه نسبت به اشخاصی که مجنون یا سفیه معرفی شده‌اند هر گونه تحقیقی که لازم بداند به عمل می‌آورد و می‌تواند اشخاصی که اطلاعات آنها را قابل استفاده بداند احضار نموده و یا برای تحقیق از اشخاص نامبرده نماینده بفرستد و پس از رسیدگی و تحقیقات لازم و احراز حجر حکم به حجر می‌دهد و در صورت عدم احراز حجر درخواست حجر را رد می‌نماید./

ماده ۵۸ – هر گاه دادگاه لازم بداند از کسی که محجور معرفی شده تحقیق کند و آن شخص نتواند در دادگاه به واسطه عذر موجه حاضر شود دادرس دادگاه شخصا یا به وسیله نماینده در خارج از دادگاه از او تحقیق می‌نماید./

ماده ۵۹ – هر گاه صغیری که ولی خاص ندارد در زمان رسیدن به سن رشد سفیه یا مجنون باشد قیم باید به دادستان جنون یا سفیه او را اطلاع دهد و دادستان پس از اطلاع به این امر مکلف است در موضوع جنون و سفاهت تحقیق نموده و دلائل آن را اعم از نظریات کارشناس و اطلاعات مطلعین و غیره به دادگاه بفرستد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز جنون یا سفیه حکم به استمرار و بقا حجر صادر می‌نماید در این صورت ممکن است قیم سابق را هم به قیمومت ابقا نمود./

ماده ۶۰ – برای چند نفر از اشخاص محتاج به قیم می‌توان یک قیم معین نمود مگر آنکه اداره امور هر یک از آنها محتاج به قیم علیحده باشد./

ماده ۶۱ – پدر یا مادر محجور مادام که شوهر ندارد با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم می‌باشد./

ماده ۶۲ – در صورت محجور شدن زن شوهر با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم است./

ماده ۶۳ – در مورد تعدد قیم و همچنین در موردی که ناظر معین شده است دادگاه معین می‌کند که در صورت اختلاف نظر بین قیم‌ها یا بین قیم و ناظر به دادگاه یا شخص ثالثی رجوع نماید و یا ترتیب دیگری را برای رفع اختلاف پیش‌بینی نماید./

ماده ۶۴ – دادگاه می‌تواند شخصی را که درخواست حجر او شده است قبل از صدور حکم و یا بعد از صدور حکم و قبل از قطعی شدن آن از بعضی یا تمام تصرفات در اموال موقتاً ممنوع نماید، و در این صورت دادگاه امینی موقتاً برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین می‌نماید./

ماده ۶۵ – بعد از قطعی شدن حکم حجر به واسطه انقضا مدت پژوهش یا صدور حکم پژوهشی به حجر اقدام به تعیین قیم می‌گردد./

ماده ۶۶ – دادستان و محجور و قیم محجور نسبت به تصمیمات دادگاه در موارد زیر می‌توانند پژوهش بخواهند اگر قیم متعدد باشد هر یک از آنها حق پژوهش دارند:/

۱ – حکم حجر./

۲ – حکم بقا حجر./

۳ – رفع حجر./

۴ – رد درخواست حجر./

۵ – رد درخواست بقا حجر./

۶ – رد درخواست رفع حجر./

ماده ۶۷ – نصب قیم در صورتی که قیم در دادگاه حاضر باشد حضوراً به او اعلام و اگر در دادگاه حاضر نباشد باید فوراً به او ابلاغ گردد./

ماده ۶۸ - قیم باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت قبول یا عدم قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد و اگر در این مدت قبول خود را اطلاع نداد یا قیمومت را قبول نکرد دادستان دادگاه را برای تعیین شخص دیگری به سمت قیمومت مطلع می‌کند./

و هر گاه قبل از تعیین قیم جدید شخصی که قبلاً به قیمومت معین شده قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد شخص دیگری معین نخواهد شد./

ماده ۶۹ - دادگاه در تمام امور تصمیمات خود را به هر طریقی که مقتضی بداند به دادستان اطلاع می‌دهد./

ماده ۷۰ - اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حکم حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود./

ماده ۷۱ - در مواردی که علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد دادگاه باید ابتدا تاریخ حجر را که بر او معلوم شده است در حکم خود قید نماید./

ماده ۷۲ - حکم حجر یا رفع حجر مانع نیست که اگر اهلیت یا عدم اهلیت یکی از متعاملین در دادگاهی قبل از حکم حجر و یا بعد از رفع حجر ثابت‌شود دادگاه به آنچه نزد او ثابت شده است ترتیب اثر دهد./

ماده ۷۳ - در صورتی که محجور ولی یا وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او ندارند و فقط دادرس بعد از رسیدگی لازم می‌تواند وصایت وصی را تصدیق نماید./

فصل سوم - اختیارات و مسئولیت قیم/

ماده ۷۴ - قیم از تاریخی که سمت قیمومت به او اطلاع داده می‌شود شروع به اعمال قیمومت خواهد نمود./

ماده ۷۵ - هر گاه قیم پس از تاریخ نصب و قبل از ابلاغ به او عملی به عنوان قیمومت نسبت به محجور کرده باشد نافذ است./

ماده ۷۶ - قیم در سیاهه اموال محجور که در ابتدا دخالت خود تنظیم می‌کند باید برگهای بهادار و اسناد دیون و اسناد املاک و تمام برگهایی که دارای اهمیت است ذکر نماید و برگهایی که بها و اهمیتی ندارد هر نوعی از آنها را علیحده بایگانی و عدد برگها را در سیاهه دارایی قید کند./

ماده ۷۷ - قیم باید اجرت کسی که برای حفظ اموال از طرف دادستان یا دادرس معین شده است از مال محجور بپردازد./

ماده ۷۸ - قیم می‌تواند هزینه تهیه صورتحساب و تسلیم اموال را اگر از اموال محجور برداشته است پس از زوال سمت خود از محجوری که رفع حجر از او شده یا کسی که به جای او به سمت قیمومت منصوب شده است مطالبه نماید./

ماده ۷۹ - قیم باید در تربیت و اصلاح حال محجور سعی و اهتمام نماید و در امور او رعایت مصلحت را بنماید./

ماده ۸۰ - قیم باید اموال ضایع شدنی محجور را بفروشد و از پول آن با رعایت مصلحت محجور مالی خریداری و یا به ترتیب دیگری که مصلحت‌باشد رفتار نماید./

ماده ۸۱ - قیم می‌تواند با رعایت مصلحت اموال منقول‌های که مورد احتیاج محجور نیست فروخته و نسبت به پول آن مطابق ماده فوق عمل نماید./

ماده ۸۲ - قیم باید هزینه زندگانی محجور و اشخاص واجب‌النفقه او و همچنین هزینه معالجه آنها را در بیمارستان و غیره و هزینه لازم دیگر از قبیل هزینه تربیت اطفال محجور را بپردازد و اگر محجور دیوانه باشد باید به حسب اقتضا در خانه یا بیمارستان تحت معالجه قرار داده شود./

ماده ۸۳ - اموال غیر منقول محجور فروخته نخواهد شد. مگر با رعایت غبطه او و تصویب دادستان./

ماده ۸۴ - اسناد و اشیا قیمتی باید با اطلاع دادستان در محل امنی نگاهداری شود و وجوه نقدی که محل احتیاج نیست باید در یکی از بانکهای معتبر گذاشته شود./

ماده ۸۵ - ولی یا قیم می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند به محجور اجازه اشتغال به کار یا پیشه‌ای بدهد و در این صورت اجازه نامبرده شامل لوازم آن کار یا پیشه هم خواهد بود./

ماده ۸۶ - محجور ممیز می‌تواند اموال و منافع را که به سعی خود او حاصل شده است با اذن ولی یا قیم اداره نماید./

ماده ۸۷ - قیم باید بعد از رفع حجر اموال محجور را به تصرف او بدهد و اگر در مدت حجر سمت قیمومت از قیم سلب و به جای او شخص دیگری معین شد اموال را به تصرف قیم بعدی بدهد./

ماده ۸۸ - در صورتی که پزشک ازدواج مجنون را لازم بداند قیم با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید و هر گاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه قیم طلاق می‌دهد./

ماده ۸۹ - در صورت فوت قیم ورثه کبیر او اگر باشند مکلف هستند به دادستان اطلاع دهند و مادام که قیم جدید معین نشده حفظ و نظارت در اموال معمار و مجانین و اشخاص غیر رشید که قیم آنها فوت شده به عهده دادستان خواهد بود./

ماده ۹۰ - وجوه زائد از احتیاج صغیر را قیم در صورت امکان نباید بدون سود بگذارد و اگر بیش از شش ماه بدون سود گذاشت مسئول تادیه خسارت به میزان خسارت تأخیر تادیه خواهد بود./

ماده ۹۱ - در صورتی که پس از تعیین قیم مورث محجور فوت نماید قیم مکلف است در ظرف ده روز درخواست مهر و موم و تحریر ترکه متوفی را بنماید./

ماده ۹۲ - بعد از زوال قیمومت قیم مسئول حفظ اموال محجور است تا به تصرف شخصی که باید تصرف نماید بدهد./

ماده ۹۳ - هر گاه قیم در پول محجور به سود خود تصرف نماید از تاریخ تصرف مسئول خسارت تأخیر تادیه می‌باشد./

ماده ۹۴ - در صورتی که قیم متعدد بوده و با شرکت یکدیگر در اموال محجور تعدی یا تفریط نمایند هر یک از آنها مسئولیت تضامنی دارند. و اگر بعضی از قیمین بدون شرکت دیگران تعدی یا تفریط در اموال محجور نمایند مسئولیت متوجه به کسی خواهد بود که تعدی یا تفریط کرده است./

ماده ۹۵ - هزینه حفظ و اداره اموال محجور و هزینه‌ای که برای رسیدگی به امور محجور و انجام وظایف قیمومت لازم می‌شود از اموال محجور تادیه می‌گردد./

ماده ۹۶ - محجور ممیز می‌تواند از قیم برای ندادن هزینه و کوتاهی او در تربیت و نگاهداری خود شکایت نماید در این صورت هر گاه دادگاه شکایت را وارد دید دستوری که مناسب است می‌دهد و قیم باید بر طبق آن دستور عمل کند./

مفاد این ماده در موردی که دادستان کوتاهی قیم را در تربیت و نگاهداری محجور و دادن هزینه او به دادگاه اطلاع بدهد اجرا خواهد شد./

ماده ۹۷ - محجور و هر ذیعلاقه‌ای می‌توانند به دادستان وجود سبب عزل قیم را اطلاع دهند در این صورت اگر دادستان سبب عزل را موجود دید از دادگاه درخواست عزل قیم را می‌نماید./

ماده ۹۸ - برای رسیدگی به درخواست عزل قیم باید قیم و در صورت لزوم دادستان احضار شوند و حکمی که راجع به عزل صادر می‌شود باید مدلل و موجه باشد./

ماده ۹۹ - قیم از تصمیم دادگاه راجع به عزل خود و دادستان از رد درخواست عزل قیم می‌توانند پژوهش بخواهند و مادامی که تکلیف قطعی معین نشده امور مغیر به وسیله دادستان یا قیمی که موقتاً برای محجور معین می‌شود انجام خواهد شد./

ماده ۱۰۰ - اعمال قیم بعد از ابلاغ حکم عزل او نافذ نیست./

ماده ۱۰۱ - در مورد ماده ۱۲۴۴ قانون مدنی اگر قیم قبل از تعیین شخص دیگری به جای او صورتحساب را فرستاده یا معلوم شود که تأخیر در فرستادن صورتحساب به واسطه عذر موجه بوده است ممکن است همان شخص را به قیمومت ابقا یا مجدداً او را به قیمومت معین نمود./

ماده ۱۰۲ - محجور می‌تواند در موارد رفع حجر اعلام خروج از قیمومت را از دادگاه بخواهد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز موجب رفع حجر خروج محجور را از تحت قیمومت اعلام می‌نماید./

باب چهارم - امور راجع به امین/

ماده ۱۰۳ - علاوه بر مواردی که مطابق قانون مدنی تعیین امین می‌شود در موارد زیر نیز امین معین خواهد شد:/

۱ - برای اداره سهم‌الارثی که ممکن است از ترکه متوفی به جنین تعلق گیرد در صورتی که جنین ولی یا وصی نداشته باشد./

۲- برای اداره اموالی که به مصارف عمومی اختصاص داده شده و مدیری نداشته باشد./

ماده ۱۰۴ - کسی که در اثر کبر سن یا بیماری و امثال آن از اداره تمام و یا بعض اموال خود عاجز شده می‌تواند از دادگاه بخواهد که برای اداره اموال او امین معین شود./

ماده ۱۰۵ - تعیین امین برای جنین در دادگاه شهرستانی به عمل می‌آید که مادر جنین در حوزه آن دادگاه اقامت دارد و برای کسی که عاجز از اداره اموال خود است دادگاه شهرستانی که شخص نامبرده در حوزه آن اقامت دارد و در سایر مواردی که احتیاج به تعیین امین پیدا می‌شود دادگاه شهرستانی صالح است که در حوزه آن دادگاه احتیاج به تعیین امین حاصل شده است./

ماده ۱۰۶ - سایر امور مربوطه به امین با دادگاهی است که امین را تعیین کرده است./

ماده ۱۰۷ - در مورد جنین دادستان و اقربای جنین و در مورد مصارف عمومی دادستان و هر ذی‌نفعی می‌تواند از دادگاه درخواست تعیین امین نماید./

ماده ۱۰۸ - دادستان می‌تواند اشخاصی را که برای سمت امانت مناسب باشند به دادگاه معرفی نموده و دادگاه پس از احراز لزوم تعیین امین از بین اشخاص نامبرده یا اشخاص دیگر که طرف اعتماد باشند یک یا چند نفر را به سمت امین معین می‌نماید./

ماده ۱۰۹ - مادر جنین در صورت داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم است و در صورت عدم صلاحیت یا عدم قبول او اقربای نسبی و سببی جنین بر دیگران مقدم خواهند بود./

ماده ۱۱۰ - در غیر مورد جنین پدر و جد و مادر و اولاد و زن و شوهر کسی که امین برای اداره اموال او معین می‌شود با داشتن صلاحیت به ترتیب مذکور بر دیگران تقدم دارند و در صورت نبودن اشخاص مذکور سایر اقربا بر دیگران مقدم هستند./

ماده ۱۱۱ - دادگاه می‌تواند علاوه بر امین یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید./

ماده ۱۱۲ - صورت تعدد امین و ناظر دادگاه باید حدود اختیارات آنها را معین نماید و نیز می‌تواند وظایف امنا متعدد را تفکیک کند./

ماده ۱۱۳ - حفظ و نظارت اموال در مواردی که محتاج به تعیین امین است مادام که امین معین نشده به عهده دادستانی است که اموال در حوزه او یافت می‌شود./

ماده ۱۱۴ - در خارج ایران مأمورین کنسولی ایران حق دارند برای اداره اموال ایرانیان که محتاج به تعیین امین و واقع در حوزه مأموریت آنها است موقتاً نصب امین نمایند و باید تا ده روز پس از نصب امین مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستند - نصب امین نامبرده وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه شهرستان تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ کند./

ماده ۱۱۵ - وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون و نظامات مربوطه در مورد دخالت دادستانها در امور محتاج به تعیین امین مقرر است در خارج ایران به عهده مأمورین کنسولی خواهد بود./

ماده ۱۱۶ - اگر در عهود و قراردادهای منعقد بین دولت ایران و دولتی که مأمور کنسولی مأموریت خود را در کشور آن دولت اجرا می‌کند ترتیبی برخلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد./

ماده ۱۱۷ - اشخاصی که نباید به قیمومت منصوب شوند به سمت امین معین نخواهند شد./

ماده ۱۱۸ - کسی که به عنوان عجز از اداره اموال برای او امین معین شده اگر تصرفی در اموال خود بنماید نافذ است و امین نمی‌تواند او را ممانعت نماید./

ماده ۱۱۹ - مقررات راجع به وظائف و اختیارات و مسئولیت قیم شامل امین غائب و جنین هم می‌شود./

ماده ۱۲۰ - سمت امینی که برای جنین معین شده است پس از تولد طفل زائل می‌شود و در غیر این مورد نیز پس از زوال سببی که موجب تعیین‌امین شده است سمت امین زائل خواهد شد./

ماده ۱۲۱ - مقررات راجع به عزل قیم نسبت به امین هم جاری است./

ماده ۱۲۲ - امینی که برای اداره اموال مربوطه به مصارف عمومی تعیین می‌شود باید به ترتیبی که مقرر شده و موافق مصلحت اموال را اداره و در مصارف مخصوصه که مقرر شده است صرف نماید./

ماده ۱۲۳ - امینی که برای اداره اموال عاجز معین می‌شود به منزله وکیل عاجز است و احکام وکیل نسبت به او جاری است./

ماده ۱۲۴ - امین باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ با رعایت مدت مسافت مذکور در آیین دادرسی مدنی قبول یا عدم قبول سمت امانت را به دادگاه اطلاع دهد و اگر در این مدت قبول خود را اطلاع نداد شخص دیگری معین خواهد شد مگر اینکه قبل از تعیین دیگری قبول سمت امانت را به دادگاه اطلاع دهد که در این صورت همان شخص به سمت امانت باقی خواهد ماند./

ماده ۱۲۵ - هزینه حفظ و اداره اموالی که برای آن امین معین شده است از اموال نامبرده برداشته خواهد شد./

باب چهارم - راجع به غائب مفقودالثر /

فصل اول - در صلاحیت دادگاه /

ماده ۱۲۶ - امور راجع به غائب مفقودالثر با دادگاه شهرستان محلی است که آخرین اقامتگاه غائب در آن محل بوده./

ماده ۱۲۷ - هر گاه آخرین اقامتگاه غائب در خارج از ایران باشد دادگاهی برای رسیدگی به امور غائب صالح است که آخرین محل سکونت غائب درجوزه آن دادگاه بوده./

ماده ۱۲۸ - هر گاه غائب در ایران اقامتگاه یا محل سکنی نداشته یا اقامتگاه و محل سکنای او در ایران معلوم نباشد دادگاه محلی برای رسیدگی به امور غائب صالح است که ورثه غائب در آن محل اقامت یا سکنی دارند./

ماده ۱۲۹ - در صورتی که ورثه غائب در ایران معلوم نباشد دادگاهی صالح است که غائب در آنجا مال دارد./

فصل دوم - در تعیین امین /

ماده ۱۳۰ - دادستان و اشخاص ذینفع از قبیل وراث و بستانکار حق دارند از دادگاه درخواست تعیین امین برای اداره اموال غائب بنمایند./

ماده ۱۳۱ - پس از وصول درخواست تعیین امین دادگاه در خصوص غیبت و اینکه غائب کسی را برای اداره اموال خود معین کرده است یا نه تحقیق نموده و پس از احراز غیبت و وجود شرایط ماده ۱۰۱۲ قانون مدنی تعیین امین می‌نماید./

ماده ۱۳۲ - کسی که در زمان غیبت غائب عملاً متصدی امور او باشد در موقع تعیین امین برای غائب آن شخص بر دیگران مقدم خواهد بود./

ماده ۱۳۳ - غائبی که تابعیت او مشکوک است تابع مقررات راجع به تبعه ایران است./

ماده ۱۳۴ - سایر احکام امین غائب مطابق احکام مذکور در قانون مدنی و باب سوم این قانون است./

ماده ۱۳۵ - بعد از صدور حکم موت فرضی غائب یا معلوم شدن موت حقیقی یا زنده بودن غائب سمت امین زایل می‌شود./

فصل سوم - دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه /

ماده ۱۳۶ - بعد از گذشتن دو سال تمام از آخرین خبر غائب ورثه او می‌توانند از دادگاه درخواست کنند که دارایی غائب به تصرف آنها داده شود./

ماده ۱۳۷ - درخواست باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد:/

۱ - نام و مشخصات درخواست‌کننده./

۲ - مشخصات غائب./

۳ - تاریخ غیبت./

۴ - ادله و جهاتی که به موجب آن درخواست‌کننده حق این درخواست را برای خود قائل است./

ماده ۱۳۸ - پس از وصول درخواست‌نامه دادگاه با حضور درخواست‌کننده و دادستان به دلایل درخواست رسیدگی می‌نماید و نیز راجع به اقامتگاه غائب و تاریخ غیبت و معلوم نبودن محل او بازجویی لازم نموده و در صورت احراز صلاحیت درخواست‌کننده آگهی مشتمل بر درخواست نامبرده و دعوت اشخاصی که از غائب اطلاعی دارند برای اظهار اطلاع به دادگاه ترتیب می‌دهد./

ماده ۱۳۹ - آگهی مذکور فوق در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر می‌شود و پس از یک سال از تاریخ نشر آخرین آگهی در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۱۰۲۵ و ۱۰۲۶ قانون مدنی اموال غائب به تصرف ورثه او داده می‌شود./

ماده ۱۴۰ - در صورتی که غائب برای اداره اموال خود کسی را معین کرده باشد و آن کس فوت شود یا به جهت دیگری صلاحیتش برای اداره اموال از بین برود امین برای اداره اموال معین می‌گردد و اموال به تصرف ورثه داده نمی‌شود تا حکم موت فرضی غائب صادر شود./

ماده ۱۴۱ - هر گاه در بین اموال غائب مال ضایع شدنی باشد ورثه یا امین که اموال غائب به تصرف آنها داده شده آن مال را فروخته و از نتیجه فروش با رعایت مصلحت غائب مالی خریداری و یا اقدام دیگری که به صرفه غائب باشد می‌نماید./

ماده ۱۴۲ - هر یک از امین و ورثه که اموال غائب به تصرف آنها داده شده است می‌توانند با اجازه دادستان اموال منقوله غائب را که مورد احتیاج نیست فروخته و از پول آن مال دیگری که موافق مصلحت غائب باشد خریداری و یا اقدام دیگری که به صرفه غائب باشد بنمایند./

<p>ماده ۱۴۳ - در موردی که اموال غائب به ورثه تسلیم می‌شود هر گاه وصیتی شده باشد اموال مورد وصیت به وصی یا موصی‌له داده می‌شود مشروط به اینکه مطابق ماده ۱۰۲۶ قانون مدنی تأمین بدهند./</p> <p>ماده ۱۴۴ - ورثه و وصی و موصی‌له که اموال غائب موقتاً به آنها تسلیم می‌شود باید اموال را با رعایت مصلحت غائب حفظ و اداره نمایند و آنها در اداره اموال غائب به منزله وکیل او خواهند بود./</p> <p>ماده ۱۴۵ - در مورد تسلیم اموال به امین یا ورثه دادگاه به درخواست یکی از ورثه یا امین صورتی از اموال و اسناد غائب تنظیم می‌نماید و این صورت در دفتر دادگاه بایگانی می‌شود و اشخاص ذی‌نفع می‌توانند از آن رونوشت بگیرند./</p> <p>ماده ۱۴۶ - در صورتی که ورثه درخواست کنند صورت اموال با حضور دادستان تنظیم و بهای اموال به توسط کارشناس معین و در صورت اموال بهای آنها قید شود دادگاه درخواست نامبرده را می‌پذیرد و هزینه ارزیابی از مال غائب برداشته خواهد شد./</p> <p>ماده ۱۴۷ - نفقه اشخاص واجب‌النفقة غائب و دیون غائب از وجوه نقد یا منافع اموال او داده می‌شود و در صورت عدم کفایت از اموال منقول فروخته خواهد شد و اگر اموال منقول هم کافی نباشد از اموال غیر منقول فروخته می‌شود./</p> <p>ماده ۱۴۸ - در غیر مورد ماده قبل ورثه و امین حق ندارند اموال غیر منقول غائب را بفروشند یا رهن بگذارند./</p> <p>ماده ۱۴۹ - در دعوی بر غائب ورثه یا امین که مال به تصرف آنها داده شده طرف دعوی خواهند بود و همچنین ورثه یا امین حق دارند برای وصول مطالبات غائب اقامه دعوی نمایند./</p> <p>ماده ۱۵۰ - در موردی که اموال غائب به تصرف ورثه یا امین داده شده باشد دادگاه می‌تواند حق الزحمه متناسبی از درآمد اموال برای ورثه یا امین معین نماید هزینه حفظ و اداره اموال غائب از اموال غائب برداشته می‌شود./</p> <p>ماده ۱۵۱ - هر گاه بین ورثه غائب غائبی بوده که محتاج به تعیین امین باشد برای او نیز امینی معین و سهم شخص غائب به امین سپرده می‌شود./</p> <p>ماده ۱۵۲ - هر گاه بین ورثه غائب محجوری باشد سهم او به ولی یا قیم یا وصی سپرده خواهد شد./</p> <p>فصل چهارم - در حکم موت فرضی/</p> <p>ماده ۱۵۳ - اشخاص زیر می‌توانند از دادگاه درخواست صدور حکم موت فرضی غائب را بنمایند:/</p> <p>۱ - ورثه غائب./</p> <p>۲ - وصی و موصی‌له./</p> <p>ماده ۱۵۴ - درخواست باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد:/</p> <p>۱ - مشخصات غائب./</p> <p>۲ - تاریخ غیبت./</p> <p>۳ - دلایلی که به موجب آن درخواست‌کننده حق درخواست صدور حکم موت فرضی را دارد./</p> <p>۴ - ادله و اسنادی که مطابق ماده ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ قانون مدنی ممکن است به موجب آن ادله و اسناد درخواست حکم موت فرضی غائب را نمود./</p> <p>ماده ۱۵۵ - پس از وصول درخواست‌نامه دادگاه اظهارات و دلایل درخواست‌کننده را در نظر گرفته و در صورتی که اظهارات و دلایل نامبرده را موجه دانست آگهی مطابق ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی ترتیب می‌دهد و این آگهی در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر می‌شود و جلسه رسیدگی به درخواست به فاصله یک سال از تاریخ نشر آخرین آگهی معین می‌گردد./</p> <p>مقررات این ماده در صورتی اجرا می‌شود که قبلاً در زمینه درخواست تصرف اموال آگهی نشده باشد و چنانچه مطابق ماده ۱۰۲۵ قانون مدنی آگهی شده باشد دادگاه به آن اکتفا می‌نماید./</p> <p>ماده ۱۵۶ - رسیدگی با حضور درخواست‌کننده و دادستان به عمل می‌آید - عدم حضور درخواست‌کننده مانع رسیدگی نیست./</p> <p>ماده ۱۵۷ - دادگاه می‌تواند هر گونه تحقیق که مقتضی بداند بنماید و پس از احراز موجبات صدور حکم موت فرضی حکم می‌دهد./</p> <p>ماده ۱۵۸ - حکم باید مشتمل بر امور زیر باشد:/</p> <p>۱ - نام و نام خانواده درخواست‌کننده./</p> <p>۲ - مشخصات غائب./</p> <p>۳ - دلایل و مستندات حکم./</p> <p>۴ - تاریخ صدور حکم./</p> <p>ماده ۱۵۹ - درخواست‌کننده می‌تواند از رد درخواست خود و دادستان از حکم موت فرضی پژوهش بخواهد و رأی پژوهش قابل فرجام نیست./</p> <p>ماده ۱۶۰ - بعد از قطعیت حکم موت فرضی تأمیناتی که از امین یا ورثه گرفته شده است مرتفع می‌شود./</p> <p>ماده ۱۶۱ - در هر موقع که موت حقیقی یا زنده بودن غائب معلوم شود اقداماتی که راجع به موت فرضی او به عمل آمده است بلاثر خواهد شد مگر اقداماتی که برای حفظ و اداره اموال غائب شده است./</p> <p>باب پنجم - در امور راجع به ترکه/</p> <p>فصل اول - در صلاحیت/</p> <p>ماده ۱۶۲ - امور راجع به ترکه عبارت است از اقداماتی که برای حفظ ترکه و رسانیدن آن به صاحبان حقوق می‌شود از</p>

قبیل مهر و موم و تحریر ترکه و اداره ترکه و غیره./

ماده ۱۶۳ - امور راجع به ترکه با دادگاه بخشی است که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران در حوزه آن دادگاه بوده و اگر متوفی در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در حوزه آن دادگاه بوده./

ماده ۱۶۴ - هر گاه متوفی در ایران اقامتگاه یا محل سکونت نداشته باشد دادگاهی صالح است که ترکه در آنجا واقع شده و اگر ترکه در جاهای مختلف باشد دادگاهی که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است صلاحیت خواهد داشت و اگر اموال غیر منقول در حوزه های متعدد باشد صلاحیت با دادگاهی است که قبلاً شروع به اقدام کرده./

ماده ۱۶۵ - هر گاه تمام یا قسمتی از اموال متوفی در حوزه دادگاهی غیر از دادگاهی که مطابق مواد فوق صالح است باشد دادگاهی که اموال در حوزه آن دادگاه است اقدامات راجع به حفظ اموال متوفی را از قبیل مهر و موم به عمل آورده رونوشت صورت مجلس عملیات خود را به دادگاهی که مطابق دوماه فوق برای رسیدگی به امور ترکه صالح است می فرستند./

فصل دوم - در مهر و موم/

ماده ۱۶۶ - دادگاه بخش مهر مخصوصی برای مهر و موم ترکه خواهد داشت و نمونه آن باید نزد رییس دادگاه شهرستان باشد./

ماده ۱۶۷ - اشخاص مذکور زیر می توانند درخواست مهر و موم ترکه را بنمایند:/

۱ - هر یک از ورثه متوفی یا نماینده قانونی آنها./

۲ - موصی له در صورتی که وصیت به جز مشاع شده باشد./

۳ - طلبکار متوفی که طلب او مستند به سند رسمی یا حکم قطعی باشد به مقدار طلب در صورتی که در مقابل طلب رهن نبوده و ترتیب دیگری هم برای تأمین طلب نشده باشد./

۴ - کسی که از طرف متوفی به عنوان وصایت معین شده باشد./

ماده ۱۶۸ - دادگاه بخش در موارد زیر پس از اطلاع اقدام به مهر و موم می نماید:/

۱ - در موردی که کسی که در خانه استیجاری یا مهمانخانه و امثال آن فوت شده و کسی برای حفظ اموال او نباشد./

۲ - در صورتی که از اموال دولتی یا عمومی نزد متوفی امانت باشد./

در مورد شق اول این ماده مالک خانه یا مدیر مهمانخانه و امثال آنها مکلفند به دادگاه بخش اطلاع بدهند./

ماده ۱۶۹ - در مورد شق ۲ ماده فوق مهر و موم فقط نسبت به اموال دولتی یا عمومی که نزد متوفی امانت بوده است به عمل می آید مگر اینکه اشخاص صلاحیتدار درخواست مهر و موم نسبت به بقیه اموال را بنمایند./

ماده ۱۷۰ - در صورتی که قبل از حضور دادرس دادگاه بخش در محل ترکه اقدام فوری برای حفظ ترکه لازم باشد اقدام مزبور به توسط دادستان و درجایی که دادستان نباشد به توسط کلانتری محل و اگر مأمورین شهربانی نباشند به توسط دهیان یا حضور دو نفر معتمد محلی به عمل می آید و در مورد مداخله دهیان دادستان می تواند در هر دهستان که مقتضی بداند دهیان را از مداخله منع کرده و صاحب دفتر رسمی یا یکی از مأمورین دولتی یا دو نفر معتمد محلی را متفقاً به انجام این کار مأمور نماید مأمورین نامبرده مراتب را در صورت مجلس نوشته و آن را به دادگاه بخش می فرستند./

ماده ۱۷۱ - در هر موردی که از طرف مأمورین مذکور در ماده قبل ترکه مهر و موم می شود مأمورین نامبرده کلید قفلهایی را که به روی آن مهر و موم خورده است در پاکت یا لفافی مهر و موم نموده و به دادگاه بخش می فرستند./

ماده ۱۷۲ - در صورتی که بین ورثه مجبوری باشد که ولی یا وصی یا قیم نداشته باشد دادرس باید پس از مهر و موم مراتب را به دادستان اطلاع دهد که جهت تعیین قیم اقدام نماید./

ماده ۱۷۳ - در صورتی که بین ورثه غائبی باشد که برای اداره اموال خود نماینده نداشته باشد اگر محل غائب معلوم است دادرس مهر و موم ترکه را به او اطلاع می دهد و اگر محل غائب معلوم نباشد به دادستان اطلاع خواهد داد که در صورت اقتضا جهت تعیین امین برای او اقدام کند./

ماده ۱۷۴ - رییس دادگاه در مواردی که باید اقدام به مهر و موم شود فوراً باید خود یا به وسیله کارمند علی البدل اقدام به مهر و موم نماید و اگر علتی موجب تأخیر این اقدام گردد علت مذکور را در صورت مجلس می نویسد./

ماده ۱۷۵ - وقت مهر و موم را دادگاه به اشخاصی که ذینفع بدانند اطلاع می دهد ولی نباید این امر موجب تأخیر مهر و موم شود./

ماده ۱۷۶ - در موقع مهر و موم صورت مجلسی مشتمل بر امور زیر تنظیم می شود:/

۱ - تاریخ سال و ماه و روز و ساعتی که اقدام به مهر و موم شده است./

۲ - نام و مشخصات کسی که مباشر مهر و موم است./

۳ - علتی که موجب مهر و موم شده است./

۴ - نام و مشخصات و محل اقامت کسی که درخواست مهر و موم نموده و اگر دادرس به نظر خود اقدام به مهر و موم کرده باشد این نکته را در صورت مجلس می نویسد./

۵ - نام و مشخصات و اظهارات اشخاص ذینفع که در موقع مهر و موم حاضر بوده اند./

۶ - تعیین جایی که ترکه در آنجا مهر و موم شده از قبیل اتاق - صندوقخانه و گنجه./

۷ - وصف اجمالی از اشیایی که مهر و موم نشده است./

۸ - اموال در محل خود مهر و موم شده است یا محل آن تغییر داده شده./

۹ - نگهبان در صورتی که معین شده باشد با ذکر اینکه نگهبان را دادرس مستقلاً معین کرده یا بر حسب معرفی اشخاص ذینفع./

۱۰ - اظهار کتبی و سریح با قید التزام از کلیه اشخاصی که با متوفی در یک جا زندگانی کرده و یا اموال در تصرف آنها بوده

مشعر بر اینکه چیزی از اموال متوفی را خارج یا مخفی نکرده و مطلع نیستند که دیگری به طور مستقیم یا غیر مستقیم اموال متوفی را برده یا مخفی کرده است./

ماده ۱۷۷ – صورت مجلس مذکور فوق باید به امضا کسی که مباشر مهر و موم است و اشخاص ذینفع برسد و در صورتی که اشخاص مزبور نخواهند یا نتوانند امضا کنند مراتب در صورت مجلس ذکر می شود./

ماده ۱۷۸ – کلید قفلهایی که روی آن مهر و موم شده در دادگاه بخش بایگانی و این امر در صورت مجلس قید می شود./

ماده ۱۷۹ – نسبت به اموالی که مهر و موم آن ممکن نیست صورت اجمالی از آن برداشته شده و در صورت لزوم نگاهبانی بر آن می کنند./

ماده ۱۸۰ – در صورتی که از اموال دولتی یا عمومی نزد متوفی امانت باشد اموال نامبرده در همان محلی که متوفی گذارده است مهر و موم خواهد شد مگر اینکه موجبی برای تغییر محل باشد./

ماده ۱۸۱ – هر گاه در حین مهر و موم ترکه وصیت نامه یا برگهای دیگری پیدا شود که در لفافی مهر و موم شده باشد دادرش مشخصات اوراق و چگونگی مهر و موم و عنوانی که روی آن نوشته شده و نشانه روی لفاف را در صورت مجلس نوشته دادرش و حاضرین اگر معروف باشند و بتوانند امضا کنند امضا می نمایند و اگر امتناع از امضا نمایند امتناع آن ها از امضا نوشته می شود./

ماده ۱۸۲ – لفاف مذکور در ماده فوق به دادگاهی که برای رسیدگی به امور ترکه صالح است فرستاده می شود./

ماده ۱۸۳ – اگر از عنوان روی لفاف یا علانم دیگری معلوم شود که برگها متعلق به غیر متوفی است دادرش برگها را به صاحبان آن رد نموده و رسید دریافت می نماید و مشخصات آن را در صورت مجلس می نویسد و اگر صاحبان برگها حاضر نباشند آن را تامین می نماید تا صاحبان آنها مطالبه نمایند./

حکم این ماده در موردی جاری است که معارضی نباشد و الا مطابق ماده قبل رفتار خواهد شد./

ماده ۱۸۴ – هر گاه وصیت نامه در لفاف نباشد دادرش اوصاف آن را در صورت مجلس نوشته آن را به دادگاهی که برای رسیدگی به امور ترکه صالح است می فرستد./

ماده ۱۸۵ – دادگاهی که لفاف مذکور در مواد فوق به آنجا فرستاده شده است آن را باز می کند و در صورتی که برگها جزو ترکه باشد امانت نگاه می دارد و الا اگر صاحبان آن حاضر باشند به آنها داده می شود و اگر حاضر نیستند محفوظ می ماند تا صاحبان آن حاضر شوند و اگر معلوم نباشد که برگها متعلق به کیست برگها در دادگاه می ماند تا صاحب آن معلوم شود./

ماده ۱۸۶ – اگر به دادرش در ضمن عملیات مهر و موم اطلاعی راجع به وجود وصیت نامه داده شود دادرش جستجو نموده و چنانچه وصیت نامه موجود باشد به ترتیب مذکور در ماده ۱۸۴ عمل می کند./

ماده ۱۸۷ – در مواردی که وصیت نامه معتبری به نظر دادرش می رسد که آن وصیت نامه مشتمل بر امور فوری باشد دادرش اجازه می دهد که امور مذکور انجام داده شود./

ماده ۱۸۸ – در موقع مهر و موم یا برداشتن مهر و موم اشیای نوشتجاتی که داخل در ترکه نبوده و متعلق به زن یا شوهر متوفی یا متعلق به غیر باشد به صاحبان آنها رد و مشخصات اشیای نامبرده در صورت مجلس نوشته می شود./

ماده ۱۸۹ – آن مقدار از اثاث البیت و غیره که برای زندگانی عیال و اولاد متوفی ضرورت دارد و همچنین اشیایی که قابل مهر و موم نیست مهر و موم نمی شود و اشیای مزبور در صورت مجلس توصیف می گردد./

ماده ۱۹۰ – هزینه ای که برای کفن و دفن متوفی با رعایت شئون او لازم و ضروری است از وجوه نقد برداشته می شود و اگر وجه نقد نباشد از ترکه برداشته شده و به فروش می رسد و بقیه مهر و موم خواهد شد./

ماده ۱۹۱ – در صورتی که متوفی مالی نداشته یا مال قابل مهر و موم نباشد دادرش صورت مجلسی تنظیم نموده و این مطلب را در آن قید می نماید./

ماده ۱۹۲ – بعد از تحریر ترکه درخواست مهر و موم پذیرفته نمی شود و اگر در اثنا تحریر ترکه درخواست مهر و موم بشود فقط آن مقداری که تحریر نشده است مهر و موم می گردد./

ماده ۱۹۳ – اشیای ضایع شدنی یا اشیایی که نگاهداری آنها مستلزم هزینه بی تناسب است یا اموال کم قیمتی که حمل و نقل و نگاهداری آنها مستلزم زحمت و اشغال مکان وسیعی است ممکن است مهر و موم نشود و در این صورت اگر اشیای نامبرده مورد احتیاج اشخاص واجب النفقه نباشد فروخته شده و پول آن در صندوق دادگستری یا یکی از بانکهای معتبر تودیع می شود./

فصل سوم – در برداشتن مهر و موم/

ماده ۱۹۴ – کسانی که حق درخواست مهر و موم ترکه را دارند می توانند رفع مهر و موم را هم درخواست نمایند./

ماده ۱۹۵ – درخواست برداشتن مهر و موم از دادگاه بخشی می شود که برای رسیدگی به امور ترکه صالح است و هر گاه ترکه در حوزه دادگاه بخش دیگری باشد دادگاه بخش محل وجود ترکه به دستور دادگاه مذکور اقدام به رفع مهر و موم می نماید و صورت مجلس مربوط به این عمل را به دادگاهی که دستور برداشتن مهر و موم را داده است می فرستد./

ماده ۱۹۶ – دادگاه بخشی که مهر و موم را بر می دارد روز و ساعت برداشتن مهر و موم را معین و به عموم وراث و وصی و موصی لهم که معروف و محل اقامت آنها در حوزه آن دادگاه بخش باشد ابلاغ می نماید./

ماده ۱۹۷ – نسبت به اشخاص ذینفع که محل اقامت آنها خارج از حوزه دادگاه بخش باشد ابلاغ وقت به آنها لازم نیست و اگر وقت به اشخاص مذکور اطلاع داده نشود دادگاه به جای آنها متصدی دفتر رسمی یا یک نفر از معتمدین محل را معین و او را دعوت می کند که با حضور او مهر و موم برداشته شود./

ماده ۱۹۸ – عدم حضور اشخاصی که وقت برداشتن مهر و موم به آنها اطلاع داده شده مانع از برداشتن مهر و موم نخواهد بود./

ماده ۱۹۹ – در صورتی که بین ورثه غائب یا محجور باشد رفع مهر و موم بعد از تعیین وکیل یا امین برای غائب و تعیین قیم برای محجور به عمل خواهد آمد./

ماده ۲۰۰ – دادرش دادگاه بخش می تواند برداشتن مهر و موم را خود انجام دهد یا به کارمند علی البدل رجوع نماید./

ماده ۲۰۱ – در موقع برداشتن مهر و موم صورت مجلسی مشتمل بر امور زیر تنظیم می شود:/

۱ – تاریخ – ساعت – روز – ماه – سال با تمام حروف./

۲ - نام و مشخصات درخواست‌کننده./

۳ - حضور و اظهارات اشخاص ذینفع و نمایندگان آنها و اشخاصی که دادگاه بخش دعوت کرده است./

۴ - مهر و موم صحیح و بی‌عیب بوده یا دست خورده با توصیف کامل از دست خوردگی./

۵ - نام و سمت کسی که مهر و موم را بر می‌دارد./

۶ - امضا کسی که مهر و موم را بر می‌دارد و سایر حاضرین./

ماده ۲۰۲ - در موقع برداشتن مهر و موم صورت ریز آنچه از ترکه مهر و موم شده مطابق ترتیب مذکور در تحریر ترکه برداشته خواهد شد و اگر تنظیم صورت ریز ترکه در یک جلسه تمام نشود در آخر هر جلسه آن قسمتی از ترکه که مهر و موم آن برداشته شده مجدداً مهر و موم می‌شود./

ماده ۲۰۳ - اگر در ضمن ترکه اشیا یا نوشتجاتی متعلق به غیر باشد و صاحبان آنها استرداد آن را درخواست نمایند باید به کسی که حق گرفتن اشیا و نوشتجات را دارد رد شود و هر گاه صاحبان اشیا و نوشتجات حاضر نباشند اشیا و نوشتجات نامبرده حفظ می‌شود تا به صاحبان آنها رد شود./

ماده ۲۰۴ - در موارد زیر مهر و موم بدون تنظیم صورت ریز ترکه برداشته می‌شود:/

۱ - در صورتی که درخواست‌کننده مهر و موم درخواست رفع مهر و موم را بدون تنظیم صورت ریز ترکه نماید و بین ورثه محجور یا غائب و علت‌دیگری برای مهر و موم یا تحریر ترکه نباشد./

۲ - در صورتی که مهر و موم به درخواست بستانکار به عمل آمده و ورثه پرداخت طلب او را تعهد نمایند یا بستانکار با برداشتن مهر و موم بدون تنظیم صورت ریز ترکه رضایت دهد و علت دیگری برای مهر و موم یا تحریر ترکه نباشد./

۳ - اگر علت مهر و موم قبل از برداشتن مهر و موم یا در جریان آن مرتفع شود./

ماده ۲۰۵ - هر گاه بین ورثه غائب یا محجور باشد و همچنین در صورتی که وارث متوفی معلوم نباشد در موقع برداشتن مهر و موم ترکه باید تحریر شود./

فصل چهارم - در تحریر ترکه/

ماده ۲۰۶ - مقصود از تحریر ترکه تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی است./

ماده ۲۰۷ - درخواست تحریر ترکه از ورثه یا نماینده قانونی آنها و وصی برای اداره اموال پذیرفته می‌شود./

ماده ۲۰۸ - امین غائب و قیم محجور باید در ظرف ده روز از تاریخ تعیین و ابلاغ سمت نامبرده به آنها در صورتی که ترکه تحریر نشده باشد درخواست تحریر ترکه نمایند./

ماده ۲۰۹ - در صورتی که سهم محجور از ترکه متوفایی قبل از تعیین قیم معین نشده باشد قیم باید به محض انتصاب خود درخواست تحریر ترکه نماید و همچنین است در صورتی که پس از تعیین قیم سهمی از ترکه متوفایی به محجور برسد./

ماده ۲۱۰ - دادگاه بخش برای تحریر ترکه وقتی را که کمتر از یک ماه و بیش از سه ماه از تاریخ نشر آگهی نباشد معین کرده و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌دهد که ورثه یا نماینده قانونی آنها بستانکاران و مدیونین به متوفی و کسان دیگری که حق بر ترکه متوفی دارند در ساعت و روز معین در دادگاه برای تحریر ترکه حاضر شوند./

علاوه بر آگهی فوق برای هر یک از ورثه یا نماینده قانونی آنها و وصی و موصی‌له اگر معین و در حوزه دادگاه مقیم باشند برای حضور در وقت مقرر احضاریه فرستاده می‌شود./

ماده ۲۱۱ - هر گاه میزان ترکه کمتر از یک هزار ریال باشد آگهی مذکور در ماده فوق لازم نیست و دادگاه وقتی را برای تحریر ترکه معین کرده و به اشخاص ذینفع که معلوم و در حوزه دادگاه مقیم باشند اطلاع می‌دهد./

ماده ۲۱۲ - غیبت اشخاصی که احضار شده‌اند مانع از تحریر ترکه نخواهد بود./

ماده ۲۱۳ - برای تحریر ترکه صورتی از ترکه برداشته می‌شود و این صورت باید مشتمل بر امور زیر باشد:/

۱ - توصیف اموال منقول با تعیین بهای آن./

۲ - تعیین اوصاف و وزن و عیار نقره و طلا آلات./

۳ - مبلغ و نوع نقدینه./

۴ - بها و نوع برگهای بهادار./

۵ - اسناد با ذکر خصوصیات آنها./

۶ - نام رقبات غیر منقول./

ماده ۲۱۴ - ارزیابی اموال منقول به توسط ارزیابی که مورد تراضی ورثه یا مورد اعتماد دادرس باشد به عمل می‌آید./

ماده ۲۱۵ - مطالبات و بدهی متوفی که به موجب احکام نهایی و اسناد رسمی یا دفاتر و برگهای مربوط به متوفی یا اقرار مدیونین و ورثه مسلم است نیز در صورت ترکه نوشته می‌شود./

ماده ۲۱۶ - در موقع تحریر ترکه صورتمجلسی برداشته می‌شود که مشتمل بر امور زیر باشد:/

۱ - نام و سمت متصدی تحریر ترکه./

۲ - نام و مشخصات کسانی که احضار شده و کسانی که حاضر شده‌اند./

۳ - محلی که تحریر ترکه در آنجا صورت می‌گیرد./

۴ - اظهارات اشخاص راجع به دارایی و بدهی و ترکه متوفی./

۵ - نام و مشخصات کسی که اسناد و اموال به او داده می‌شود./

ماده ۲۱۷ - اگر در ضمن ترکه دفاتر بازرگانی باشد جاهای سفید آن با دو خط متقاطع پر می‌شود و اگر دفاتر مطابق قانون پلمب نشده باشد متصدی تحریر ترکه صفحات دفتر را امضا می‌نماید و اگر بین صفحه‌هایی که نوشته شده جای سفید مانده باشد آنجا دو خط متقاطع کشیده می‌شود./

ماده ۲۱۸ - در مدتی که ترکه تحریر می‌شود تصرف در ترکه ممنوع است مگر تصرفاتی که برای اداره و حفظ ترکه لازم است./

ماده ۲۱۹ - عملیات اجرایی راجع به بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه معلق می‌ماند./

ماده ۲۲۰ - مرور زمان نسبت به مطالبات متوفی در مدت تحریر ترکه جاری نمی‌شود./

ماده ۲۲۱ - دعاوی راجعه به ترکه یا بدهی متوفی در مدت تحریر ترکه توقیف می‌شود ولی به درخواست مدعی ممکن است خواسته تأمین شود./

ماده ۲۲۲ - صورت ترکه و همچنین صورت مجلس تحریر ترکه در دفتر دادگاه بایگانی می‌شود و اشخاص ذینفع می‌توانند به آن مراجعه نموده و رونوشت بگیرند./

ماده ۲۲۳ - هر گاه در موقع تحریر ترکه اختلافی بین ورثه راجع به اداره ترکه باشد دادگاه سعی می‌کند که اختلاف آنها به طریق مسالمت مرتفع شود و الا به درخواست یکی از ورثه کسی را از ورثه یا غیر آنها برای حفظ ترکه موقتاً معین می‌نماید./

ماده ۲۲۴ - خاتمه تحریر ترکه به ورثه اطلاع داده می‌شود و هر گاه ورثه یا اقامتگاه آنها معین نباشد اطلاع مزبور به وسیله آگهی در روزنامه خواهد شد./

فصل پنجم - راجع به دیون متوفی/

مبحث اول - استیفا دین از ترکه/

ماده ۲۲۵ - دیون و حقوقی که به عهده متوفی است بعد از هزینه کفن و دفن و تجهیز متوفی و سایر هزینه‌های ضروری از قبیل هزینه حفظ و اداره ترکه باید از ترکه داده شود./

ماده ۲۲۶ - ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکاران بدهند و اگر ترکه برای ادا تمام دیون کافی نباشد ترکه مابین تمام بستانکاران به نسبت طلب آنها تقسیم می‌شود مگر اینکه آن را بدون شرط قبول کرده باشند که در این صورت مطابق ماده ۲۴۶ مسئول خواهند بود./

در موقع تقسیم دیونی که به موجب قوانین دارای حق تقدم و رجحان هستند رعایت خواهد شد بستانکاران زیر هر یک به ترتیب حق تقدم بر دیگران دارند:/

طبقه اول/

الف - حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از فوت./

ب - حقوق خدمتگذاران بنگاه متوفی برای مدت شش ماه قبل از فوت./

ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از فوت./

طبقه دوم/

طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره متوفی بوده نسبت به میزانی که متوفی از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است./

این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که موت در دوره قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یک سال بعد از آن واقع شده باشد./

طبقه سوم/

طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای متوفی و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از فوت رسیده است./

طبقه چهارم/

الف - نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی./

ب - مهریه زن تا میزان ده هزار ریال./

طبقه پنجم/

سایر بستانکاران./

ماده ۲۲۷ - اگر چیزی از ترکه در مقابل دینی رهن باشد مرتهن نسبت به مال مرهون بر سایر بستانکاران مقدم است و اگر بهای مال مرهون از طلب مرتهن زاید باشد مقدار زاید مابین بستانکاران تقسیم می‌شود و اگر کمتر باشد مرتهن نسبت به باقیمانده طلب خود مانند سایر بستانکاران خواهد بود./

ماده ۲۲۸ - ورثه می‌توانند دیون را از ترکه یا از مال خود ادا نمایند./

ماده ۲۲۹ - تصرفات ورثه در ترکه از قبیل فروش و صلح و هبه و غیره نافذ نیست مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا ادا دیون./

ماده ۲۳۰ - ورثه در مقابل بستانکاران ضامن نقص یا تلف ترکه نیستند مگر اینکه نقص یا تلف مستند به تقصیر آنها باشد./

ماده ۲۳۱ - دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می‌شود./

ماده ۲۳۲ - دعوی بر میت اعم از دین یا عین باید به طرفیت ورثه و یا نماینده قانونی آنها اقامه شود هر چند ترکه در ید وارث نباشد لیکن مادامی که ترکه به دست آنها نرسیده است مسئول ادا دیون نخواهند بود./

ماده ۲۳۳ - اثبات دعوی به طرفیت بعضی از ورثه نسبت به سهم همان بعض مؤثر است و وارث دیگر که طرف دعوی نبوده می‌تواند بر حکمی که به طرفیت بعضی از ورثه صادر شده اعتراض نماید./

ماده ۲۳۴ - ورثه می‌توانند برای اثبات طلب یا حقی برای متوفی اقامه دعوی کنند هر چند بعد از ثبوت حق چیزی عاید آنها نشود مثل اینکه دین متوفی مستغرق ترکه او باشد./

ماده ۲۳۵ - بستنکار از متوفی نیز در صورتی که ترکه به مقدار کافی برای ادا دین در ید ورثه نباشد می‌تواند بر کسی که او را مدیون متوفی می‌داند مدعی است که مالی از ترکه متوفی در ید او است اقامه دعوی کند./

ماده ۲۳۶ - در مورد ماده قبل اگر طلب از متوفی محرز نباشد مدعی باید طلب خود را از متوفی به طرفیت ورثه اثبات و پس از آن دعوی خود را بر کسی که مدیون متوفی یا مالی از متوفی نزد او می‌داند اقامه کند و می‌تواند بر هر دو در یک دادخواست اقامه دعوی نماید./

ماده ۲۳۷ - در مواردی که برای ادا دیون متوفی وصی معین شده است اثبات دین به طرفیت وصی و ورثه خواهد شد./

ماده ۲۳۸ - در مورد ترکه متوفای بلا وارث که مدیر ترکه معین می‌شود اثبات دین به طرفیت مدیر ترکه می‌گردد./

ماده ۲۳۹ - در دعاوی راجع به عین طرف دعوی کسی است که عین در دست او است خواه وارث باشد یا غیر وارث مگر اینکه آن کس مقر باشد که عین جزو ترکه است که در این صورت مدعی باید برای اثبات ادعا خود بر تمام ورثه اقامه دعوی نماید./

ماده ۲۴۰ - ورثه متوفی می‌توانند ترکه را قبول کرده که دیون متوفی را بپردازند و یا ترکه را واگذار و رد کنند که به بستنکاران داده شود و نیز می‌توانند قبول یا رد خود را منوط به تحریر ترکه نمایند و پس از تحریر ترکه دیون و ترکه را مطابق صورت تحریر قبول یا رد نمایند و یا تصفیه ترکه را ادا نگاه بخواهند./

ماده ۲۴۱ - قییم محجور و امین غایب نمی‌توانند ترکه و دیون را به طور مطلق قبول نمایند ولی می‌توانند مطابق صورت تحریر ترکه قبول کنند./

(مبحث دوم - قبول ترکه)/

ماده ۲۴۲ - قبول ترکه ممکن است صریح باشد یا ضمنی./

قبول صریح آن است که به موجب سند رسمی یا عادی قبول خود را به دادگاه اطلاع بدهند./

قبول ضمنی آن است که عملیاتی در ترکه نمایند که کاشف از قبول ترکه و ادا دیون باشد از قبیل بیع و صلح و هبه و رهن و امثال آن که به طور وضوح کشف از قبول ترکه نماید./

ماده ۲۴۳ - حفظ ترکه و جمع‌آوری در آمد و وصول مطالبات و به طور کلی اقدامات راجع به اداره ترکه کاشف از قبول آن نخواهد بود./

ماده ۲۴۴ - اگر چیزی از ترکه در معرض تلف بوده یا حفظ آن محتاج به هزینه‌ای باشد که متناسب با بهای آن نیست وارث می‌تواند آن را بفروشد و این عمل قبول ضمنی ترکه محسوب نمی‌شود./

و همچنین در صورتی که برای هزینه کفن و دفن میت و هزینه ضروری دیگر فروش قسمتی از ترکه لازم باشد این عمل قبول ضمنی ترکه محسوب نیست./

ماده ۲۴۵ - اگر وارثی قبل از قبول یا رد ترکه فوت کند ورثه آن وارث به جای او می‌توانند ترکه را قبول یا رد نمایند./

ماده ۲۴۶ - هر گاه بعضی از ورثه ترکه را قبول و بعضی رد نمایند ترکه باید تحریر شود و بعد از تحریر هم می‌توانند قبول یا رد نمایند./

ماده ۲۴۷ - وارثی که ترکه را قبول کرده است مادامی که تصرف در ترکه نکرده می‌تواند رد نماید./

ماده ۲۴۸ - در صورتی که ورثه ترکه را قبول نمایند هر یک مسئول ادا تمام دیون به نسبت سهم خود خواهند بود مگر اینکه ثابت کنند دیون متوفی زاید بر ترکه بوده یا ثابت کنند که پس از فوت متوفی ترکه بدون تقصیر آنها تلف شده و باقیمانده ترکه برای پرداخت دیون کافی نیست که در این صورت نسبت به زائد از ترکه مسئول نخواهند بود./

مبحث سوم - رد ترکه/

ماده ۲۴۹ - وارثی که ترکه را رد می‌کند باید کتباً یا شفاهاً به دادگاه اطلاع بدهد اطلاع مزبور در دفتر مخصوصی ثبت خواهد شد این رد نباید معلق یا مشروط باشد./

ماده ۲۵۰ - رد ترکه باید در مدت یک ماه از تاریخ اطلاع وارث به فوت مورث به عمل آید اگر در مدت نامبرده رد ترکه به عمل نیاید در حکم قبول و مشمول ماده ۲۴۸ خواهد بود./

ماده ۲۵۱ - در صورتی که ترکه تحریر شده باشد مدت مذکور فوق از تاریخ ابلاغ خاتمه تحریر ترکه به وارث شروع می‌شود./

ماده ۲۵۲ - اگر وارثی قبل از رد ترکه فوت شود حق رد به ورثه او منتقل می‌شود./

ماده ۲۵۳ - اگر وارث عذر موجهی برای عدم اظهار رد در مدت مقرر داشته باشد دادگاه می‌تواند مهلت مذکور را تمدید یا تجدید کند./

ماده ۲۵۴ - هر گاه تمام ورثه ترکه را رد نمایند در حکم ترکه متوفای بلا وارث بوده و مطابق مقررات فصل هشتم این باب رفتار می‌شود لیکن اگر از دیون متوفی زائدی بماند مال ورثه خواهد بود./

مبحث چهارم - قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه/

ماده ۲۵۵ - در صورتی که ورثه فقط مطابق صورت تحریر ترکه، ترکه و دیون را قبول کنند باید در ظرف مدت یک ماه از تاریخ فوت مورث این مطلب را به دادگاه بخش اطلاع دهند در این صورت ورثه ملزمند که دیون متوفی را در حدود صورت ترکه بپردازند هر چند بعد از تنظیم صورت تحریر ترکه ادعای طلب شده باشد./

ماده ۲۵۶ - اطلاع مذکور فوق در صورتی مؤثر است که قبلاً ترکه تحریر شده یا بعداً تحریر شود./

ماده ۲۵۷ - بعد از تحریر ترکه نیز ورثه می‌توانند در ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع به خاتمه تحریر ترکه قبول یا رد خود را اظهار نمایند و دادگاه بخش می‌تواند به حسب اقتضا این مدت را زیاد کند./

ماده ۲۵۸ - در صورتی که بعضی از ورثه ترکه را قبول کرده و بعضی رد نمایند وارثی که ترکه را قبول کرده است اقدامات لازم را برای اداره ترکه وادای دیون و حقوق و وصول مطالبات و غیره انجام می‌دهد و وارثی که ترکه را رد کرده است حق هیچگونه اعتراضی به عملیات او ندارد لیکن اگر پس از تصفیه ترکه چیزی از ترکه بماند سهم الارث وارثی که ترکه را رد کرده است به او داده خواهد شد./

در این صورت وارثی که ترکه را قبول کرده در ازای زحمتی که برای اداره کردن ترکه نسبت به سهم سایرین متحمل شده مستحق دستمزد خواهد بود تشخیص میزان دستمزد در صورت عدم تراضی با دادگاه است./

ماده ۲۵۹ - در صورت تحریر ترکه وارثی که در مدت مقرر قبول یا رد خود را اظهار نکرده باشد در حکم کسی است که مطابق صورت تحریر ترکه دیون را قبول کرده باشد./

(مبحث پنجم - تصفیه)/

ماده ۲۶۰ - مقصود از تصفیه ترکه تعیین دیون و حقوق بر عهده متوفی و پرداخت آنها و خارج کردن مورد وصیت از ماترک است./

ماده ۲۶۱ - وصی و هر یک از ورثه می‌توانند از دادگاه کتباً تصفیه ترکه را بخواهند./

ماده ۲۶۲ - هر گاه بعضی از ورثه ترکه را قبول کرده باشند سایر ورثه نمی‌توانند تصفیه ترکه را بخواهند./

ماده ۲۶۳ - دادگاه بخش پس از درخواست تصفیه منتهی تا یک هفته یک یا چند نفر را به سمت مدیر تصفیه معین می‌نماید و آنها تحت نظر دادرس امور تصفیه را انجام می‌دهند./

و اگر اداره تصفیه در محل موجود باشد آن را به اداره نامبرده مراجعه می‌نمایند./

اداره تصفیه می‌تواند یک یا چند نفر را به سمت مدیر تصفیه معین نماید که تحت نظر آنها امور تصفیه را انجام دهند./

ماده ۲۶۴ - در صورتی که متوفی وصی برای اداره اموال داشته باشد امر تصفیه به وصی واگذار می‌شود./

ماده ۲۶۵ - شکایت از عملیات مدیر تصفیه راجع به دادگاهی است که مدیر تصفیه را معین و دادرس به حسب اقتضا مورد دستور لازم به مدیر تصفیه می‌دهد و نیز می‌تواند مدیر تصفیه را تغییر دهد./

ماده ۲۶۶ - پس از تعیین مدیر تصفیه اموال به مدیر تصفیه تسلیم می‌شود و در صورتی که ترکه تحریر نشده باشد مطابق فصل چهارم این باب تحریر می‌شود./

ماده ۲۶۷ - پس از تعیین حقوق و دیون متوفی و پرداخت آن و اخراج مورد وصیت اگر از ترکه چیزی باقی بماند باقیمانده ترکه به ورثه داده می‌شود./

ماده ۲۶۸ - مدیر تصفیه باید مطالبات متوفی را وصول و از خراب و منابع شدن اموالی که در معرض خرابی و تضييع است جلوگیری کرده و آنها را به فروش برساند در نگاهداری اموال مواظبت نموده و تعمیرات ضروری اموال غیر منقول را بنماید از تعطیل کارخانه و یا تجارتخانه متوفی در صورتی که دایر باشد جلوگیری کند - درآمد ترکه و محصول را جمع‌آوری نموده و نظر به مقتضیات انبار نماید و یا به فروش برساند مواد اولیه را که برای دئارماندن بنگاه صنعتی و یا بازرگانی متوفی لازم است تحویل و یا تجدید کند./

ماده ۲۶۹ - مدیر تصفیه کلیه اقداماتی که برای اداره ترکه لازم است به عمل می‌آورد ولی نباید از حدود اقداماتی که عادتاً برای انجام مأموریت اولایم بوده خارج شود./

ماده ۲۷۰ - بعد از تحریر ترکه مدیر تصفیه وقتی را برای رسیدگی تعیین و به ورثه و بستانکاران و اشخاص ذینفعی که خود را معرفی کرده‌اند اطلاع می‌دهد که در وقت معین حاضر شوند./

ماده ۲۷۱ - مدیر تصفیه در وقت مقرر شروع به رسیدگی نموده و پس از رسیدگی کلیه دیون و حقوقی را که به ترکه تعلق می‌گیرد تأدیه می‌نماید./

ماده ۲۷۲ - بستانکاری که در موعد مقرر برای تحریر ترکه خود را معرفی نکرده یا پس از معرفی طلب او تصدیق نشده باشد می‌تواند در دادگاه صلاحیتدار تا مقداری که از ترکه به ورثه داده شده است بر ورثه اقامه دعوی نماید./

و اگر چیزی به ورثه نرسیده یا آنچه رسیده است کافی برای تأدیه طلب نباشد می‌تواند بر بستانکاران دیگر که ترکه به آنها داده شده برای اخذ حصه‌غرمایی خود اقامه دعوی نماید./

ماده ۲۷۳ - کسی که ادعای طلبی نموده و طلب او تصدیق نشده باشد و نیز کسی که طلب او کسر شده یا حق رهن و یا حق رجحان او منظور نشده می‌تواند در دادگاه صلاحیتدار اقامه دعوی نماید./

ماده ۲۷۴ - تصفیه ترکه متوفی در صورتی که متوفی بازرگان باشد تابع مقررات تصفیه امور بازرگان متوقف است./

ماده ۲۷۵ - فروش اموال متوفی به توسط مدیر تصفیه باید به طریق مزایده باشد مگر اموالی که دارای نرخ معینی است یا تمام اشخاص ذینفع در قیمت آن موافق باشند ترتیب مزایده در آیین‌نامه وزارت دادگستری معین می‌شود./

فصل ششم - راجع به وصیت/

ماده ۲۷۶ - وصیت‌نامه اعم از اینکه راجع باشد به وصیت عهدی یا تملیکی منقول یا غیر منقول ممکن است به طور رسمی یا خودنوشت یا سری تنظیم شود./

ماده ۲۷۷ - ترتیب تنظیم وصیت‌نامه رسمی و اعتبار آن به طوری است که برای اسناد تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی مقرر است./

ماده ۲۷۸ - وصیت‌نامه خودنوشت در صورتی معتبر است که تمام آن به خط موصی نوشته شده و دارای تاریخ روز و ماه و سال به خط موصی بوده و به امضا او رسیده باشد./

ماده ۲۷۹ - وصیت‌نامه سری ممکن است به خط موصی یا به خط دیگری باشد ولی در هر صورت باید به امضا موصی برسد و به ترتیبی که برای امانت اسناد در قانون ثبت اسناد مقرر گردیده در اداره ثبت اقامتگاه موصی یا محل دیگری که در آیین‌نامه وزارت دادگستری معین می‌گردد امانت گذارده می‌شود./

ماده ۲۸۰ - کسی که سواد ندارد نمی‌تواند به ترتیب سری وصیت نماید./

ماده ۲۸۱ - کسی که نمی‌تواند حرف بزند هر گاه بخواهد وصیت‌نامه سری تنظیم کند باید تمام وصیت‌نامه را به خط خود

نوشته و امضا نماید و نیز در حضور مسئول دفتر رسمی روی وصیتنامه بنویسد که این برگ وصیتنامه او است و در این صورت مسئول دفتر باید روی پاکت یا لفافی که وصیتنامه در او است بنویسد که عبارت مزبور را مومی در حضور او نوشته است./

ماده ۲۸۲ - وصیتنامه سری را مومی همه وقت میتواند به ترتیبی که برای استرداد اسناد امانتی مقرر است استرداد نماید./

ماده ۲۸۳ - در موارد فوق العاده از قبیل جنگ یا خطر مرگ فوری و امراض ساریه و مسافرت در دریا که مراده نوعاً مقطوع و به این جهت مومی نمیتواند به یکی از طرق مذکور وصیت کند ممکن است وصیت به طریقی که در مواد بعد ذکر میشود واقع شود./

ماده ۲۸۴ - افراد و افسران نظامی و کسانی که در ارتش اشتغال به کاری دارند میتوانند نزد یک نفر افسر یا همدیف او با حضور دو گواه وصیت خود را شفاها اظهار نمایند./

ماده ۲۸۵ - در صورتی که نظامی یا کسی که در ارتش اشتغال به کاری دارد بیمار یا مجروح باشد ممکن است وصیت خود را در حضور رئیس بهداری ارتش و مدیر بیمارستان که مومی آنجا است اظهار نماید./

ماده ۲۸۶ - اشخاصی میتوانند به ترتیب مذکور در دو ماده قبل وصیت نمایند که در جنگ یا مأمور عملیات جنگی باشند و یا در محلی زندانی یا محصور باشند که مرادهای با خارج نباشد./

ماده ۲۸۷ - در سایر موارد مذکور در ماده ۲۸۳ مومی میتواند در حضور دو نفر گواه وصیت خود را اظهار نماید و یکی از آن دو گواه اظهارات او را با تعیین تاریخ روز و ماه و سال و محل وقوع وصیت نوشته و مومی و گواها آن را امضا مینمایند و اگر مومی نتواند امضا کند گواها این نکته را در وصیتنامه قید میکنند./

ماده ۲۸۸ - اشخاصی که مطابق ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ وصیت نزد آنها شده و همچنین گواهای مذکور در ماده قبل در اول زمان امکان باید در اداره ثبت اسناد یا محلی که در آییننامه وزارت دادگستری تعیین میشود حاضر شده وصیتنامه را مطابق مقررات راجع به امانت گذاردن اسناد امانت بگذارند و ضمناً اعلام کنند که این آخرین وصیت مومی است که با داشتن اهلیت اظهار داشته./

ماده ۲۸۹ - در صورتی که اشخاص مذکور در ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ اظهارات مومی را ننوشته باشند در اول زمان امکان نزد دادرس دادگاه بخشی که به او دسترسی دارند حاضر شده و اظهارات مومی را با تاریخ و محل وقوع وصیت و اهلیت مومی شفاها اظهار میدارند. اظهارات مزبور در صورت مجلس نوشته شده و به امضا دادرس دادگاه بخش و گواها میرسد./

ماده ۲۹۰ - وصیتی که مطابق مواد قبل (در موارد غیر عادی) واقع میشود بعد از گذشتن یک ماه از تاریخ مراجعت و رسیدن مومی به محلی که بتواند به یکی از طرق مذکور در ماده ۲۷۶ وصیت کند یا گذشتن یک ماه از تاریخ باز شدن راه و مرتفع شدن مانعی که به واسطه آن مانع نتوانسته مومی به یکی از طرق مذکور وصیت نماید بی اعتبار میشود مشروط به اینکه در مدت نامبرده مومی متمکن از وصیت باشد./

ماده ۲۹۱ - هر وصیتی که به ترتیب مذکور در این فصل واقع نشده باشد در مراجع رسمی پذیرفته نیست مگر اینکه اشخاص ذینفع در ترکه به صحت وصیت اقرار نمایند./

ماده ۲۹۲ - هر دادگاه - اداره - بنگاه یا شخصی که وصیتنامه به او سپرده شده و نیز دادگاهی که در موارد فوق العاده وصیت در آنجا اظهار گردیده مکلف است بعد از اطلاع به فوت مومی وصیتنامه یا صورت مجلس راجع به وصیت را به دادگاه بخشی که برای رسیدگی به امور راجع به ترکه متوفی صالح است بفرستد اعم از اینکه وصیتنامه نامبرده به حسب قانون قابل ترتیب اثر باشد یا نباشد و هر گاه وصیتنامه متعدد باشد باید تمام آنها فرستاده شود./

ماده ۲۹۳ - هر گاه کسی که وصیتنامه نزد او است خارج از مقر دادگاه بخش مذکور فوق باشد میتواند وصیتنامه را به دادگاه محل خود تسلیم نماید و آن دادگاه مکلف است فوراً وصیتنامه را به دادگاه بخش نامبرده بفرستد./

ماده ۲۹۴ - دادگاه بخش در آگهی که برای اداره یا تصفیه ترکه یا تصدیق حصر وراثت میشود قید میکند که هر کس وصیتنامه ای از متوفی نزد او است در مدت سه ماه به دادگاهی که آگهی نموده بفرستد و پس از گذشتن این مدت هر وصیتنامه ای (جز وصیتنامه رسمی و سری) ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است./

ماده ۲۹۵ - پس از گذشتن مدت مذکور فوق دادگاه بخش وقتی را برای افتتاح وصیتنامه تعیین و به اشخاصی که وراثت آنها معلوم است اطلاع میدهد که در وقت مزبور حاضر شوند./

ماده ۲۹۶ - هنگام ابراز وصیتنامه دادرس دادگاه بخش باید با حضور نماینده دادستان یا مدیر دفتر صورت مجلسی مشتمل بر خاتمه وصیت و اینکه وصیتنامه در حضور او باز شده و خصوصیات وصیتنامه از قبیل مهر و موم و غیره تنظیم و به امضا حضار برساند./

وصیتنامه سری را دادرس دادگاه بخش با حضور اشخاصی باز مینماید که لفاف آن را امضا یا مهر کرده و در تاریخ باز کردن زنده و در مقر دادگاه حاضر هستند./

اصل وصیتنامه که مطابق این ماده نزد دادرس دادگاه بخش باز میشود به دفتر امانات ثبت فرستاده میشود و رونوشت آن در دفتر دادگاه مینماید - اشخاص ذینفع میتوانند از آن رونوشت بگیرند./

ماده ۲۹۷ - بعد از باز شدن وصیتنامه دادگاه بخش به اشخاصی که وصیت به نفع آنها شده یا کسانی که وصی معین شده اند مراتب را اطلاع میدهد./

ماده ۲۹۸ - وصیتنامه وقتی معتبر است که تمام آن موجود باشد و ادعا فقدان وصیتنامه اعم از اینکه این دعوی نسبت به تمام وصیتنامه یا قسمتی از آن باشد مسموع نیست./

ماده ۲۹۹ - ترتیب صدور سند مالکیت به نام ورثه یا مومی له نسبت به اموال غیر منقول که به نام مورث ثبت شده است در آییننامه وزارت دادگستری معین میشود./

فصل هفتم - در تقسیم

ماده ۳۰۰ - در صورت تعدد ورثه هر یک از آنها میتوانند از دادگاه درخواست تقسیم سهم خود را از سهم سایر ورثه بخواهند./

ماده ۳۰۱ - ولی و وصی و قیم هر وارثی که محجور باشد و امین غائب و جنین و کسی که سهم الارث بعضی از ورثه به او منتقل شده است و همچنین مومی له و وصی راجع به مومی به در صورتی که وصیت به جز مشاع از ترکه شده باشد حق درخواست تقسیم را دارند./

ماده ۳۰۲ - نسبت به درخواست تقسیم مرور زمان جاری نیست و کسانی که ذیحق در درخواست تقسیم هستند همه وقت میتوانند این درخواست را بنمایند./

ماده ۳۳ - هر گاه یکی از ورثه متوفی غائب مفقودالثری باشد که وکیل نداشته و درخواست تقسیم اموال متوفی بشود بدو برای غائب امین معین می‌شود و بعد تقسیم به عمل می‌آید./

ماده ۳۴ - درخواست تقسیم باید کتبی و مشتمل بر امور زیر باشد:/

۱ - نام و مشخصات درخواست‌کننده و متوفی./

۲ - ورثه و اشخاص دیگری که ترکه باید بین آنها تقسیم شود و سهام هر یک./

ماده ۳۵ - پس از وصول درخواست هر گاه دادگاه محتاج به توضیحاتی باشد درخواست‌کننده را احضار نموده و توضیحاتی که لازم است از او می‌خواهد./

ماده ۳۶ - دادگاه برای رسیدگی به موضوع درخواست تعیین جلسه نموده و درخواست‌کننده و اشخاص ذینفع را احضار می‌نماید./

ماده ۳۷ - درخواست‌کننده تقسیم می‌تواند زمینه‌هایی برای تقسیم ترکه تهیه نموده و به دادگاه تسلیم نماید در این صورت مراتب در احضاریه نوشته شده و تذکر داده می‌شود که مراجعه به زمینه‌های نامبرده در دفتر دادگاه مانعی ندارد./

ماده ۳۸ - وقت رسیدگی باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ احضاریه و روز دادرسی کمتر از ده روز نباشد./

ماده ۳۹ - اشخاص ذینفع می‌توانند در دادگاه حاضر شده به تراضی قرارری راجع به مقدمات تقسیم یا طرز تقسیم اموال بگذارند. در این صورت دادگاه صورتمجلسی مشتمل بر قرارداد نامبرده تنظیم می‌نماید./

ماده ۴۰ - هر گاه یک یا چند نفر از اشخاص ذینفع در تنظیم قرارداد مذکور فوق شرکت نداشته و رضایت خود را اظهار ننموده باشند دادگاه نتیجه تصمیمی را که مربوط به شخص غائب است به او اعلام می‌نماید با ذکر اینکه می‌تواند در طرف مدت معینی در دفتر دادگاه حاضر شده و به قرارداد مراجعه نموده و رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام دارد./

ماده ۴۱ - در اخطار مذکور در فوق قید می‌گردد که هر گاه شخص غائب در مدت معینه در دفتر حاضر نگردد و یا رضایت و عدم رضایت خود را اظهار نکند بر طبق قرار مذکور در ماده ۳۹ قضیه حل خواهد شد./

ماده ۴۲ - هر گاه شخص غائب در اثر عذر موجهی حاضر نشده باشد و درخواست وقت جدیدی نماید تا رضایت و عدم رضایت خود را اعلام دارد دادگاه وقت جدیدی برای او معین خواهد نمود./

ماده ۴۳ - در صورتی که تمام ورثه و اشخاصی که در ترکه شرکت دارند حاضر و رشید باشند به هر نحوی که بخواهند می‌توانند ترکه را مابین خود تقسیم نمایند لیکن اگر مابین آنها مجبور یا غائب باشد تقسیم ترکه به توسط نمایندگان آنها در دادگاه به عمل می‌آید./

ماده ۴۴ - در صورتی که ورثه تراضی در بهای اموال غیر منقول مورد درخواست تقسیم ننماید اموال نامبرده باید به توسط کارشناس ارزیابی شود و اموال منقول در صورتی ارزیابی می‌گردد که به ارزیابی در موقع تحریر ترکه به جهاتی نتوان ترتیب اثر داد./

ترتیب انتخاب کارشناس و مقررات راجع به کارشناس که در آیین دادرسی مقرر است در تقسیم رعایت می‌شود./

ماده ۴۵ - کارشناس باید بهای اموال مورد درخواست تقسیم و قابل قسمت بودن و یا قابل قسمت نبودن آنها را معین و سهام را تعدیل نماید. کارشناس باید برای ارزیابی اموال بهای روز ارزیابی را در نظر بگیرد./

ماده ۴۶ - تقسیم طوری به عمل می‌آید که برای هر یک از ورثه از هر نوع اموال حصه‌ای معین شود و اگر بعضی از اموال بدون زیان قابل قسمت نباشد ممکن است آن را در سهم بعضی از ورثه قرارداد و برابر بهای آن از سایر اموال در سهم دیگران منظور نمود و اگر تعدیل محتاج به ضمیمه پول به اموال باشد به ضمیمه آن تعدیل می‌شود./

ماده ۴۷ - در صورتی که مالی اعم از منقول یا غیر منقول قابل تقسیم و تعدیل نباشد ممکن است فروخته شده بهای آن تقسیم شود./

فروش اموال به ترتیب عادی به عمل می‌آید مگر آنکه یکی از ورثه فروش آن را به طریق مزایده درخواست کند./

ماده ۴۸ - در صورتی که بعضی از ورثه مدیون متوفی باشند ممکن است دین را در سهم خود آنها قرار داد./

ماده ۴۹ - در صورتی که پس از تعدیل سهام ورثه به تعیین حصه تراضی ننمایند سهام آنها به قرعه معین می‌شود./

ماده ۵۰ - در موردی که تقسیم از طریق قرعه انجام می‌گردد باید جلسه‌ای که برای قرعه معین شده به اشخاص ذینفع اطلاع داده شود و اگر بعضی از اشخاص نامبرده حاضر نشوند دادگاه بخش به درخواست اشخاص حاضر اقدام به قرعه و تعیین سهام می‌نماید./

ماده ۵۱ - هر گاه یکی از ورثه غائب یا محجور باشد برای غائب و محجور امین یا قیم معین و پس از آن تقسیم به عمل می‌آید./

ماده ۵۲ - پس از تمام شدن تقسیم دادگاه صورتمجلسی تنظیم نموده و در آن مقدار ترکه و سهم هر یک از وراث و آنچه برای تأدیه دیون و اجراوصیت منظور شده تصریح می‌نماید./

ماده ۵۳ - صورتمجلس مذکور فوق باید به امضا یا مهر صاحبان سهام و امضا دادرس دادگاه برسد و هر گاه بعضی از صاحبان سهام نباشند یا نتوانند و یا نخواهند امضا کنند جهت امضا نکردن آنها در صورت مجلس قید می‌شود و این صورتمجلس در دفترخانه دادگاه باقی خواهد ماند./

ماده ۵۴ - دادگاه بر طبق صورتمجلس مذکور در دو ماده فوق تقسیم‌نامه به عده صاحبان سهام تهیه نموده و به آنها ابلاغ و تسلیم می‌نماید./

این تصمیم دادگاه حکم شناخته شده و از تاریخ ابلاغ در حدود قوانین قابل اعتراض و پژوهش و فرجام است./

ماده ۵۵ - هر یک از ورثه پس از تقسیم مالک مستقل سهم خود خواهد بود و هر تصرفی که بخواهد می‌نماید و به حصه دیگران حقی ندارد./

ماده ۵۶ - مقررات قانون مدنی راجع به تقسیم در مورد تقسیم ترکه جاری است و نیز مقررات راجع به تقسیم که در این قانون مذکور است در مورد تقسیم سایر اموال جاری خواهد بود./

فصل هشتم - در ترکه متوفای بلاوارث/

ماده ۳۲۷ - در صورتی که وارث متوفی معلوم نباشد به درخواست دادستان یا اشخاص ذینفع برای اداره ترکه مدیر معین می‌شود./

ماده ۳۲۸ - در مورد ماده فوق دادستان مکلف است مراقبت نماید اقداماتی که برای حفظ ترکه لازم است به عمل آید و از دادگاه تعیین مدیر ترکه را بخواهد./

ماده ۳۲۹ - پس از وصول درخواست دادگاه باید متاهی تا یک هفته مدیر ترکه را معین نماید./

ماده ۳۳۰ - در صورتی که متوفی برای اجرا وصیت خود وصی معین کرده باشد اداره ترکه به وصی واگذار می‌شود./

ماده ۳۳۱ - هر گاه متوفی محجور بوده و وصی داشته است اداره ترکه به وصی یا قیم واگذار می‌شود./

ماده ۳۳۲ - در غیر موارد مذکور در دو ماده فوق اداره ترکه به کسی که مورد اعتماد دادرس است واگذار خواهد شد./

ماده ۳۳۳ - مقررات مواد ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ نسبت به ترکه متوفایی هم که وارث او معلوم نیست جاری خواهد بود./

ماده ۳۳۴ - مدیر ترکه پس از تحریر ترکه دیون و واجبات مالی متوفی را ادا کرده مورد وصیت را در صورتی که وصیت شده باشد خارج و باقیمانده ترکه را از اموال منقول و غیر منقول و وجه نقد که در تصرف دولت یا بنگاه‌های بازرگانی و صرافی و غیره یا اشخاصی است به دادستان تسلیم می‌کند که به ترتیب مقرر در آیین‌نامه وزارت دادگستری نگاهداری نمایند./

ماده ۳۳۵ - اگر از تاریخ تحریر ترکه تا ده سال وارث متوفی معلوم شود ترکه به او داده می‌شود و پس از گذشتن مدت نامبرده باقی‌مانده ترکه به خزانه دولت تسلیم می‌شود و ادعا حقی نسبت به ترکه از کسی به هر عنوان که باشد پذیرفته نیست./

ماده ۳۳۶ - در صورتی که قبل از انقضا مدت مذکور فوق ادعا حقی بر متوفی بشود و حق نامبرده به موجب سند رسمی یا حکم قطعی دادگاه ثابت شده باشد مدیر ترکه باید بپردازد و در صورتی که حقی به موجب نوشتجات یا دفاتر متوفی محرز شود مدیر ترکه با موافقت دادستان می‌تواند آن را بپردازد و اگر ترکه به دادستان داده شده باشد او خواهد پرداخت و چنانچه ادعا به ترتیب مذکور ثابت و محرز نشود مدعی می‌تواند به طرفیت مدیرترکه و در صورتی که ترکه به دادستان داده شده باشد به طرفیت او اقامه دعوی نماید./

فصل نهم - راجع به ترکه اتباع خارجه/

ماده ۳۳۷ - جز آنچه در این فصل ذکر می‌شود مهر و موم و برداشتن مهر و موم و تحریر و اداره ترکه اتباع خارجه به همان طریقی خواهد بود که مطابق این قانون برای ترکه اتباع ایران مقرر است./

ماده ۳۳۸ - هر گاه تبعه خارجه در ایران یا در خارجه فوت شود و در ایران دارای مالی باشد دادرس دادگاه بخش محلی که مال متوفی در آنجا واقع است به درخواست هر ذینفع یا به درخواست کنسول دولت متبوع متوفی به حفظ و تصفیه امر ترکه اقدام می‌نماید و در صورتی که متوفی وارث یا قائم مقام در ایران نداشته باشد بدون درخواست هم دادرس پس از اطلاع اقدام به حفظ و تصفیه ترکه می‌نماید./

ماده ۳۳۹ - دادگاه بخش پس از وصول درخواست ذینفع یا کنسول و به محض اطلاع از فوت در مورد اخیر ماده فوق وقتی را که از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع متجاوز از ۴۸ ساعت نباشد برای اقدامات تأمینیه از قبیل مهر و موم و غیره معین کرده کتبا به کنسول دولت متبوع اطلاع می‌دهد که در موقع اقدام به تأمین حضور به هم رسانند./

عدم حضور کنسول مانع از اقدام نخواهد بود ولی بعداً می‌تواند در محل حاضر شده مهر و موم خود را به مهر و موم دادگاه اضافه نماید./

ماده ۳۴۰ - در صورتی که کنسول دولت متبوع متوفی قبلاً از وفات مطلع شده و امر طوری باشد که تا اطلاع به مأمورین ایران بیم تضییع و تفریط تمام یا قسمتی از ترکه برود می‌تواند شخصاً اقدامات موقتی را برای حفظ آن به عمل آورده و وضعیت موقتی را تا مداخله دادرس دادگاه بخش حفظ نماید./

ماده ۳۴۱ - در موقعی که دادگاه بخش برای مهر و موم تعیین وقت می‌کند باید بلافاصله و متاهی در طرف یک هفته از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع یک نفر را برای اداره ترکه معین و معرفی نماید./

ماده ۳۴۲ - دادگاه می‌تواند با رعایت ماده ۲۶۴ و با در نظر گرفتن مصلحت و منافع ورثه و اشخاص ذینفع هر کس را که طرف اعتماد بدانند به سمت مدیر ترکه معین کند./

اقدامات مدیر ترکه با نظارت دادستان به عمل خواهد آمد./

در نقاطی که اداره تصفیه موجود است مدیر ترکه معین نمی‌شود و این وظیفه به اداره تصفیه رجوع می‌شود./

ماده ۳۴۳ - مدیر ترکه باید به محض ابلاغ انتصاب خود سه آگهی هر یک به فاصله یک ماه در مجله رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل و اگر در محل روزنامه نباشد در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران منتشر نموده اشخاصی را که به عنوانی از عناوین برای خود حقی بر ذمه متوفی یا بر اعیان ترکه قائل هستند دعوت نماید در ظرف شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی خود را معرفی و موضوع حق خود را معین کنند و رونوشت یا عکس گواهی شده مدارک طلب و حقانیت خود را به او تسلیم نمایند./

هر گاه میزان ترکه کمتر از هزار ریال باشد آگهی در روزنامه لازم نیست./

ماده ۳۴۴ - پس از تعیین مدیر ترکه دادگاه بخش با حضور دادستان ترکه را تحریر و به او تسلیم می‌نماید./

ماده ۳۴۵ - برای تحریر ترکه روز و ساعت و محل تحریر به دادستان و اشخاص مشروحه اطلاع داده می‌شود./

۱ - تمام وراثت که در ایران حاضر بوده و یا نماینده در آنجا دارند./

۲ - وصی اگر معلوم و مقیم ایران باشد./

۳ - کسانی که وصیت به نفع آنها شده اگر معلوم و مقیم ایران بوده و یا در ایران نماینده داشته باشند./

۴ - شریک متوفی اگر باشد در صورتی که در ایران حاضر بوده یا نماینده داشته باشد./

۵ - کنسول دولت متبوع متوفی./

ماده ۳۴۶ - غیبت اشخاصی که اعلامنامه مندرج در ماده فوق برای آنها فرستاده شده مانع از تحریر ترکه نخواهد بود ولی در صورتی که کنسول دولت متبوع متوفی در موقع تحریر ترکه حاضر نباشد مراتب در صورتمجلس قید و رونوشتی از آن برای کنسول فرستاده می‌شود./

ماده ۳۴۷ - به صورت ریز ترکه باید صورتی از اموال غیر منقول که در ایران واقع است با تعیین بهای تقریبی آنها پیوست شود./

ماده ۳۴۸ - در صورتی که ورثه یا وصی متوفی یا قائم‌مقام قانونی آنها حاضر شوند برابر بهای ترکه تأمین دهند که هر گاه در مدت یک سال از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ۳۴۳ بستانکارانی پیدا شود که تبعه ایران یا مقیم ایران باشند و طلب آنها ثابت گردد از عهده برآیند ترکه پس از وضع هزینه آگهی‌ها و هزینه‌های دیگر قانونی که به عمل آمده است به تصرف آنها داده می‌شود./

ماده ۳۴۹ - تأمین ممکن است به وسیله تودیع وجه نقد یا وثیقه دادن اموال منقول و یا غیر منقول یا دادن ضامن معتبر به عمل آید و نیز ممکن است درخواست‌کننده از همان اموال متوفی تأمین بدهد./

قبول یا رد تأمین منوط به نظر دادگاهی است که مدیر ترکه را تعیین نموده است./

ماده ۳۵۰ - مدیر ترکه با اجازه دادگاه بخش می‌تواند به ورثه متوفی که در حال استیصال و مقیم در ایران هستند تا موقع تصفیه ماترک مبلغی که برای معیشت آنها ضروری باشد بپردازد./

در موردی که اداره تصفیه وظیفه امین ترکه را انجام می‌دهد اجازه دادگاه بخش لازم نیست./

ماده ۳۵۱ - پس از انقضا مدت مذکور در ماده ۳۴۳ مدیر ترکه وقتی را برای رسیدگی به دعاوی و مطالبات معین کرده به ورثه یا وصی یا قائم‌مقام قانونی آنها و کنسول دولت متبوع متوفی اگر در محل باشد اطلاع می‌دهد و در وقت مقرر شروع به رسیدگی نموده و پس از رسیدگی کلیه دیون و تعهداتی را که بر ذمه متوفی ثابت و محقق است با اجازه دادستان تأدیه می‌نماید و بقیه را به ورثه یا وصی یا قائم‌مقام قانونی آنها و در صورتی که اشخاص نامبرده اصلاً نباشند یا در ایران نباشند به کنسول یا سایر نمایندگان سیاسی دولت متبوع متوفی تسلیم می‌نماید./

ماده ۳۵۲ - اشخاصی که مدعی حقی بر ترکه بوده و دعوی آنها از طرف مدیر ترکه و دادستان یا مدیر تصفیه تصدیق نشده باشد می‌توانند دعوی خود را در دادگاه صلاحیتدار اقامه یا تعقیب نمایند./

انقضا مدت مقرر در ماده ۳۴۳ موجب سقوط حق اشخاصی که در ظرف مدت حق خود را مطالبه نکرده‌اند نمی‌باشد./

ماده ۳۵۳ - اگر نسبت به ترکه متوفی قرار تأمین صادر شده باشد تسلیم اموال به اشخاص مذکور در ماده ۳۵۱ با رعایت قرار دادگاه خواهد آمد./

ماده ۳۵۴ - هر گاه متوفی بازرگان بوده و به موجب حکم دادگاه ورشکستگی او قبل یا بعد از فوت اعلام شود اداره تصفیه امور او تابع مقررات راجع به تصفیه امور بازرگان متوقف است./

ماده ۳۵۵ - رسیدگی به دعاوی راجع به ترکه اتباع خارجه در ایران از صلاحیت دادگاه ایران است./

ماده ۳۵۶ - تصدیق صادره از مقامات صلاحیتدار کشور متوفی راجع به وراثت اتباع خارجه با انحصار آن پس از احراز اعتبار آن در دادگاه ایران از حیث صدور و رعایت مقررات مربوطه به اعتبار اسناد تنظیم شده در خارجه قابل ترتیب اثر خواهد بود./

ماده ۳۵۷ - اگر تبعه خارجه که در ایران فوت شده مسافر موقتی باشد اشیا متعلق به او فوراً به کنسول دولت متبوع او تسلیم می‌شود./

ماده ۳۵۸ - از هزینه‌هایی که برای اداره کردن ترکه می‌شود باید صورت کاملی به دادستان داده شود./

ماده ۳۵۹ - حقوقی که به موجب این فصل برای کنسولها یا نمایندگان سیاسی خارجه مقرر شده مربوط به کنسول یا نماینده سیاسی دولی است که در خاک آن دول نسبت به کنسولها یا نمایندگان سیاسی ایران معامله متقابله بشود./

فصل دهم - در تصدیق انحصار وراثت/

ماده ۳۶۰ - در صورتی که وراثت متوفی یا سایر اشخاص ذینفع بخواهند تصدیق انحصار وراثت تحصیل کنند درخواست‌نامه کتبی مشتمل بر نام و مشخصات درخواست‌کننده و متوفی و ورثه و اقامتگاه آنها و نسبت بین متوفی و وارث تنظیم نموده به دادگاه تسلیم می‌نماید./

ماده ۳۶۱ - دادگاه بخش درخواست نامبرده را سه دفعه پی در پی ماهی یک مرتبه آگهی می‌نماید./

ماده ۳۶۲ - پس از انقضا سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در صورتی که معترض نبود دادگاه تمام ادله و اسناد درخواست‌کننده تصدیق را از برگ‌شناسنامه و گواهی گواه و غیره در نظر گرفته تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عده وراثت و نسبت آنها به متوفی صادر می‌نماید و در صورت اعتراض دادگاه جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض معین نموده و به معترض و درخواست‌کننده تصدیق اطلاع می‌دهد و در جلسه پس از رسیدگی حکم خواهد داد و این حکم قابل پژوهش و فرجام است./

ماده ۳۶۳ - دادگاه بخش می‌تواند گواه‌ها را احضار کرده و گواهی آنان را استماع کند. چنانچه گواه در خارج از مقر دادگاه ساکن باشد تحقیق از گواه به وسیله دادگاه محل اقامت گواه یا نزدیکترین دادگاه محل اقامت گواه به عمل خواهد آمد./

ماده ۳۶۴ - در صورتی که بهای ترکه بیش از یک هزار ریال نباشد انتشار آگهی مذکور در ماده ۳۶۱ به عمل نخواهد آمد و دادگاه به ادله و اسناد و اظهارات گواه‌های درخواست‌کننده رسیدگی کرده و درخواست تصدیق را به حسب اقتضا دایل قبول یا رد می‌نماید./

ماده ۳۶۵ - در صورتی که به واسطه معلوم نبودن ورثه یا برای تصفیه ترکه و غیره قبلاً برای معرفی ورثه آگهی شده باشد صدور تصدیق انحصار وراثت محتاج به آگهی جدید نبوده و در صورت درخواست هر یک از ورثه یا اشخاص ذینفع تصدیق انحصار وراثت صادر خواهد شد./

ماده ۳۶۶ - رأی دادگاه دائر به رد درخواست تصدیق قابل پژوهش و فرجام است./

ماده ۳۶۷ - در کلیه موارد که دادستان تشخیص دهد که متوفی بلاوارث بوده و درخواست اشخاص برای صدور تصدیق بی‌اساس است می‌تواند به درخواست تصدیق وراثت اعتراض نماید و نیز می‌تواند در صورتی که متوفی را بلاوارث بداند به تصدیق انحصار وراثت در موردی هم که تصدیق مسبوق به آگهی نبوده است اعتراض کند و در هر حال دادستان حق دارد از رأی دادگاه پژوهش و فرجام بخواهد./

ماده ۳۶۸ - مادامی که برای محجور قیم و برای غائب امین معین نشده دادستان می‌تواند به نام محجور و غائب به

درخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض نماید./

ماده ۳۶۹ - در مورد ماده ۳۶۴ اشخاص ذینفع می‌توانند به درخواست تصدیق و همچنین به تصدیقی که در موضوع وراثت صادر می‌شود اعتراض نمایند و رای دادگاه در این خصوص قابل پژوهش و فرجام است./

ماده ۳۷۰ - اشخاصی که تصدیق انحصار وراثت تحصیل کرده‌اند می‌توانند مطابق تصدیق نامبرده ترکه و مطالبات متوفی را از کسانی که مدیون یا متصرف مال متوفی هستند مطالبه نمایند. مدیون یا متصرف اموال متوفی باید ترکه و مطالبات متوفی را به آنها تسلیم نماید. و در صورت تادیب دین و یا تسلیم مال در مقابل هر مدعی وراثت بری محسوب خواهند شد و مدعی نامبرده حق رجوع به شخص یا اشخاصی خواهند داشت که طلب متوفی را واصل و یا مال متعلق به او را دریافت نموده‌اند./

ماده ۳۷۱ - مدیون که بدهی خود را به وراثت متوفی می‌دهد می‌تواند رونوشت گواهی شده انحصار وراثت را از وارث بخواهد./

ماده ۳۷۲ - در تصدیق انحصار وراثت باید نسبتی که وارث یا ورثه به مورث خود دارند از متروکات به نحو اشاعه معین شود./

ماده ۳۷۳ - در تصدیق انحصار وراثت به درخواست ورثه دادگاه حصه هر یک از ورثه را معین می‌نماید./

ماده ۳۷۴ - در صورتی که ورثه بخواهند ملک غیر منقولی که به نام مورث ثبت شده است به نام آنها ثبت گردد باید تصدیق انحصار وراثت یا رونوشت گواهی شده آن را که مشتمل بر تعیین سهام باشد به اداره ثبت تسلیم نمایند./

باب هفتم - در هزینه/

ماده ۳۷۵ - هزینه رسیدگی به امور حسبی منحصر به موارد زیر بوده و در هر مورد موقع درخواست بیست ریال گرفته می‌شود:/

۱ - درخواست تسلیم اموال غائب به ورثه./

۲ - درخواست حکم موت فرضی./

۳ - درخواست پژوهش از رد درخواست حکم موت فرضی./

۴ - درخواست مهر و موم ترکه./

۵ - درخواست برداشتن مهر و موم ترکه./

۶ - درخواست تحریر ترکه./

۷ - درخواست تصفیه ترکه./

۸ - درخواست تقسیم ترکه./

۹ - درخواست تصدیق انحصار وراثت./

ماده ۳۷۶ - درخواست‌هایی که دادستان از دادگاه می‌نماید و همچنین اقداماتی که دادگاه بدون درخواست مکلف به انجام آن است هزینه ندارد./

ماده ۳۷۷ - هزینه آگهی تصدیق انحصار وراثت از درخواست‌کننده گرفته می‌شود و هزینه حفظ و اداره ترکه و تحریر و تصفیه و تقسیم ترکه از ترکه برداشته می‌شود./

ماده ۳۷۸ - وزیر دادگستری مجاز است آیین‌نامه‌های لازم برای اجرای این قانون را تهیه و به موقع اجرا بگذارد./

این قانون که مشتمل بر سیصد و هفتاد و هشت ماده است در جلسه دوم تیر ماه یک هزار و سیصد و نوزده به تصویب مجلس شورای ملی رسید./

/

/